H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
شنبه | ۴ مرداد ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۰۷
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

خرید و فروش لوازم خانگی در سمساری‌های مجازی

از برند تا بدل

میزان صادرات لوازم خانگی در مقطع کنونی ۲۰۰ میلیون دلار است در حالی که سالانه یک میلیارد دلار به کشور قاچاق می‌شود

صفحه ۲

مذاکرات هسته‌ای ایران و تروئیکای اروپایی دیروز در استانبول برگزار شد

دیپلماسی در کرانه‌های بوسفور

مذاکره زیر سایه «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت

صفحه ۳

مراجعه به روانشناسان طی دوران پس از جنگ افزایش داشته‌است

جنگ و تاب‌آوری روانی جامعه ایرانی

زنان در اثر ابتلا به اضطراب بیش از مردان به روان‌درمانگر مراجعه کرده‌اند

صفحه ۶

دعوای پرسپولیس و پیرانوند معمایی که پایان ندارد

حل پرونده جنجالی فوتبال ایران با مصالحه میلیاردی

صفحه ۷

خسرو دهقان از چرایی جای خالی سینما برای جامعه ایرانی می‌گوید

سینما؛ رویای جمعی گم شده

زندگی روزمره و الگوی مصرف رسانه‌ای مردم تغییر کرده، افراد بدون هزینه می‌توانند در خانه فیلم ببینند

وقتی سینما دیگر خانه رویاها نیست و گوشی‌های موبایل، سرگرمی را با هزینه‌ای نزدیک به صفر به اتاق خواب‌ها آورده‌اند، چرا باید هنوز به سالن تاریک سینما دل بست؟ آیا کارکرد اجتماعی و جمعی سینما در روزگار فردگرای دیجیتال از دست رفته است؟ اگر چنین است، چه چیزی از سینما باقی مانده؟ در چنین شرایطی گفت‌وگو با یکی از منتقدان باسابقه و دغدغه‌مند سینمای ایران فرصتی است برای بازنگری نسبت میان مردم و پرده نقره‌ای. آیا هنوز می‌توان به سینما به عنوان نهادی فرهنگی، خلاق و خاطره‌ساز ایمان داشت، یا باید آن را بخشی از گذشته دانست؟

صفحه ۵

احیای چنارهای ولیعصر تونل سبز تهران؛ داستانی از محله کن تا امروز

تهران، «شهر چنارها» نفس تازه می‌کند؟

همین صفحه

یادداشت

نگاهی به بازتاب رسانه‌ای خرید ملزومات مقابله با کم‌آبی در تهران

تمام ایران را سرای خود بدانیم

این جا ببینید

حمید سلیمانی
هفت صبح

در روزهای گذشته به خصوص چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته؛ تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر و دست به دست می‌شد با عنوان «صف‌های تکان‌دهنده مردم تهران برای خرید دبه‌ها و مخازن آب در نقاط مختلف شهر به‌خصوص خیابان مولوی» یا «تصاویری دیگر که صف مردم تهران را دبه به‌دست برای گرفتن آب نشان می‌داد»؛ اما موضوع چیست و آیا ما با پدیده‌ای نادر و تکان‌دهنده روبه‌رو شده‌ایم؟

پدیده کم‌آبی و صف‌بندی برای گرفتن آب، البته برای تهرانی‌ها تازه است اما بسیاری دیگر از ایرانی‌های شهرهای گوناگون، به خصوص مناطق مرکزی و شرق و جنوب‌شرق، سال‌هاست که با این پدیده مواجه‌اند و کم‌آبی یا بی‌آبی به بخشی از زندگی آنها بدل شده است. مثلا مردم یزد حداقل از فروردین ماه امسال است که با این معضل روبه‌رو بوده و دست و پنجه نرم کرده‌اند اما نصیب آنها از این سختی، جز یکی دو خبر در خروجی رسانه‌ها بیشتر نبوده است. کمی که در فضای مجازی جستجو کنیم متوجه می‌شویم مردم زابل حداقل هشت سالی‌ست که برای گرفتن حداقلی از آب سالم و بهداشتی، صف می‌بندند و نتایج جستجو در اخبار نشان می‌دهد که این مردم بی‌صداتر، حداقل از سال ۱۳۹۶ به این صف‌ها عادت کرده‌اند. اسامی شهرهای دیگر را روی صفحه کیبورد تایپ می‌کنم؛ کرمان. کرمانی‌ها در اوج کرونا یعنی سال ۱۳۹۹ هم صف‌هایی طویل را با هدف دستیابی به آبی برای شست‌وشوی دست و صورت و سایر امور بهداشتی، تجربه کرده‌اند و برخی از مناطق آن شهر، به گواهی اخباری که آن روزها منتشر می‌شده تا ۴۰ روز از نعمت آب لوله‌کشی محروم بوده‌اند. مردم زاهدان هم در همان سال، وضع بهتری نسبت به شهروندان کرمانی نداشتند و در بهمن ماه، با قطعی آب روبه‌رو شدند و ۷۲ ساعت با این مشکل دست و پنج نرم کردند و مجبور شدند ساعت‌ها در صف بایستند تا از ۵۰ تانکری که در سطح این شهر مستقر بودند، آب طلب کنند. کمتر از سه سال بعد، در تیر ماه سال ۱۴۰۲ نیز دوباره اهالی حداقل ۳۵درصد از محله‌های زاهدان، این تجربه را از سر گذراندند. این سیاهه را همچنان می‌توان ادامه داد؛ خاش، اصفهان سال ۱۴۰۰ به بعد، نطنز، مشهد، سبزوار، ورامین و.... کار به جایی رسید که روزنامه شهروند در پروژه نذر آب برنامه قابل تاملی تولید کرد و نازنینی که در یکی از ویدئو کلیپ‌ها گریه کنان از بی‌آبی سخن گفت جهانی شد. موضوع تبعیض نهادینه در کشور البته به همین بی‌آبی خلاصه نمی‌شود. سال‌های سال است که مردم استان‌های غربی و جنوب غربی، به خصوص خوزستان‌ها، با پدیده گرد و غباری که نفس آنها را به شماره می‌اندازد، دست به گریبانند. پیشینه این مشکل سخت که حتی ترانس‌های برق خوزستانی‌ها را هم از کار می‌اندازد (حال تصور کنید این گرد و خاک با ریه این شهروندان چه‌ها که نمی‌کند) از دو دهه هم بیشتر است و به خصوص با سقوط رژیم بعثی در عراق و نبود دولت مرکزی در بغداد، این مشکل، هر ساله چند ماهی مهمان این مردم می‌شود. با این حال وقتی صدای اعتراض شدت گرفت که مرکزنشین‌ها هم در سال‌های اخیر با این معضل روبه‌رو شدند. چنین تجربیاتی نشان می‌دهد که هر چند شعار «همه ایران سرای من است» همواره بر زبان و قلم‌ها جاری و ساری بوده، اما تا وقتی مشکلات مرزنشینان و مردم ساکن مناطق پیرامونی تهران به داخل پایتخت سرریز نشده، مشکلات آنها نیز چندان جدی گرفته نشده و انعکاس بایسته و شایسته‌ای در محافل رسانه‌ای و تصمیم‌سازی نداشته است.

چرا وقتی سال‌هاست شهرهای کوچک و بزرگ کشور با بحران آب سالم و بهداشتی روبه‌رو بوده‌اند، مشکل را درست درک نکردیم؟ چرا تا وقتی نمود عینی صف کشی دبه به‌دست در تهران دیده نشده بود، فضای رسانه‌ای اعم از مجازی و غیرمجازی، این بلا را جدی نگرفته بودند و فریاد نمی‌کشیدند؟ تغییر جدی در نگرش مردم و مسئولان، به خصوص ساکنان کلانشهرها و در راس آن، تهرانی‌هاست که صدالبته سهم بسیار بالایی در رسانه‌ها دارند و همه باید یاد بگیریم که «همه جای ایران سرای من است.»

گزارش

احیای چنارهای ولیعصر تونل سبز تهران؛ داستانی از محله کن تا امروز

تهران، «شهر چنارها» نفس تازه می‌کند؟

شهرداری تهران با کاشت ۱۰۰ چنار تنومند به‌جای درختان خشک‌شده، قلب سبز پایتخت را بار دیگر زنده کرده است

در گرمای میانه تابستان تهران، جایی که خورشید بر آسفالت خیابان‌ها می‌تابد و از آسمان آتش می‌بارد سایه چنارهای بلند خیابان ولیعصر پناه رهگذران خسته و تفتیده از هرم آفتاب تابستانه است. اما خبری دل خنک کن هم به گوش می‌رسد.

شهرداری تهران با کاشت ۱۰۰ چنار تنومند به‌جای درختان خشک‌شده، قلب سبز پایتخت را بار دیگر زنده کرده است. این خیابان ۱۸ کیلومتری، که از میدان تجریش تا راه‌آهن امتداد یافته، نه‌فقط مسیری برای عبور و مرور، بلکه آلبومی از خاطرات تهرانی‌هاست؛ از قدم‌زدن‌های عاشقانه زیر تونل سبز چنارها تا مرور درس‌های امتحان در سایه بوستان‌های ملت و ساعی. اما سال‌ها کم‌توجهی، ورود فاضلاب‌های غیرمجاز و چالش‌های محیطی، برخی از این چنارهای دیرینه را به کام خشکی کشانده بود. حالا، در تابستان ۱۴۰۴، با تلاش‌های شهرداری برای احیای این میراث ارزشمند و با پشتوانه فناوری‌های نوین و عزمی جمعی، خیابان ولیعصر بار دیگر سوی شکوه سبز خود گام برمی‌دارد. این گزارش، حکایت عاشقانه‌ای است که از درختان چنار محله کن آغاز شد، با تاریخ پایتخت درآمیخت و امروز، با کاشت نهال‌های جدید، برای نسل‌های آینده جاودانه می‌شود.

چنارهای ولیعصر: نگهبانان سبز تهران

این خیابان ۱۸ کیلومتری، که از میدان تجریش تا راه‌آهن کشیده شده، تونلی سبز از خاطرات و هویت پایتخت را در خود جای داده است. چنارهایی که روزگاری با دستان باغداران محله کن کاشته شدند، سال‌هاست سایه‌بان رهگذران و شاهد تحولات شهر بوده‌اند.

اما برخی از این درختان، به دلیل کم‌توجهی‌های گذشته، ریختن فاضلاب‌های غیرمجاز و چالش‌های محیطی، رو به خشکی رفته‌اند. حالا، شهرداری تهران با عزمی راسخ، پروژه‌ای جامع برای احیای این میراث سبز آغاز کرده است تا با کاشت درختان جدید، بهسازی نهرها و جریمه متخلفان از تونل سبز تهران پاسداری کند که خود روایت تلاش برای حفظ چنارهایی است که تهران را به «شهر چنارها» بدل کرده‌اند.

ریشه‌های تاریخی: چنارهایی از دل کن

داستان خیابان ولیعصر به سال ۱۳۰۰ شمسی بازمی‌گردد، زمانی که رضاشاه تصمیم گرفت جاده‌ای اختصاصی از کاخ مرمر به سعدآباد بکشد. عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه» می‌نویسد که در آن زمان، در هر دو متر از این مسیر ۱۸ کیلومتری، یک چنار و بین هر دو چنار یک بوته گل سرخ کاشته شد که در مجموع ۱۸ هزار اصله درخت را شامل می‌شد. برخی منابع حتی این تعداد را تا ۲۴ هزار اصله تخمین زده‌اند. این چنارها، که به دلیل سازگاری با آب‌وهوای تهران و مقاومت در برابر کم‌آبی انتخاب شدند، از خزانه‌های محله کن تامین شدند. مرتضی رحیمی، از نوادگان ارباب خلیل، باغدار معروف کن، نقل می‌کند که پدرش نهال‌های مرغوب را با ریشه‌های قطور و به‌هم‌تنیده، با اسب و الاغ به خیابان پهلوی (ولیعصر کنونی) منتقل کرد. شهردار وقت، که از سرعت کاشت شگفت‌زده شده بود، با دستور رضاشاه ریشه‌ها را بررسی کرد و از استحکام آن‌ها شگفت‌زده شد. این چنارها، که تبارشان به خاک کن بازمی‌گردد، تونلی سبز ساختند که خیابان ولیعصر را به یکی از زیباترین خیابان‌های جهان تبدیل کرد.

ساخت خیابان: از جاده اختصاصی تا قلب تپنده تهران

ساخت خیابان ولیعصر، که ابتدا «جاده مخصوص پهلوی» نام داشت، از سال ۱۳۰۰ آغاز شد. در آن زمان رضاخان که وزیر جنگ بود دستور ساخت این مسیر را صادر کرد و همزمان، کاشت چنارها و کشیدن نهر برای آبیاری آن‌ها کلید خورد. در سال ۱۳۰۷، بلدیه تهران این جاده را سنگفرش کرد و در سال ۱۳۰۹، با تصویب قانونی در مجلس شورای ملی برای گسترش خیابان‌های پایتخت، این مسیر برای اولین بار قیرریزی شد. در سال ۱۳۱۱، همزمان با سفر ملک فیصل، پادشاه عربستان به تهران، خیابان پهلوی آسفالت شد و به یکی از اولین خیابان‌های آسفالته شهر تبدیل شد. تا سال ۱۳۲۰، این جاده اختصاصی بود و تنها درباریان، وزیران، سفرا و نظامیان از آن عبور می‌کردند. اما پس از شهریور ۱۳۲۰، با عمومی شدن مسیر، خودروهای متفقین و سپس مردم عادی به آن راه یافتند. در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵، این جاده به‌تدریج از حالت ییلاقی و بیابانی خارج شد و به خیابان مدرن ولیعصر تبدیل شد. پس از انقلاب اسلامی، این خیابان ابتدا به نام مصدق و سپس ولیعصر نام‌گذاری شد و امروز، با محله‌های پرجنب‌وجوش و پیاده‌روهای خاطره‌انگیز، قلب تپنده تهران است.

چالش چنارها: از خشکی تا عوامل محیطی

در سال‌های اخیر، برخی از چنارهای خیابان ولیعصر، به‌ویژه در محدوده پارک وی تا تجریش که ۲۴۰۰ اصله درخت را در بر می‌گیرد، با مشکلاتی مواجه شده‌اند. احسان صفایی، معاون خدمات شهری و محیط زیست منطقه یک شهرداری تهران، در پایش سال گذشته اعلام کرد که توپوگرافی ۱۰۰۰ اصله درخت انجام شده و اکثر آن‌ها سالم هستند. با این حال، ضعف ریشه‌ها به دلیل دسترسی مداوم به آب نهرها و عدم حرکت ریشه‌ها و همچنین انحنای درختان به سمت آفتاب به دلیل تراکم، از مشکلات اصلی بوده است. محمدصابر باغخانی‌پور، مدیرکل محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران، خشکی هشتاد اصله درخت را نتیجه کم‌توجهی‌های گذشته، رهاسازی غیرمجاز فاضلاب توسط برخی اصناف، افزایش جمعیت موش‌ها و عدم بهسازی نهرها و آبیاری کافی می‌داند. او تاکید می‌کند که این آسیب‌ها در بازه زمانی طولانی و در دوره‌های قبلی شکل گرفته‌اند.

احیای سبز و اقدامات حفاظتی

برای مقابله با این چالش‌ها، شهرداری تهران اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرده است. باغخانی‌پور خبر می‌دهد که ۸۰ درخت خشک‌شده پس از ثبت در سامانه نهال قطع و با ۱۰۰ درخت چنار با بن بالای ۵۰ سال جایگزین شده‌اند. این کاشت، که با جانمایی دقیق انجام شد، بهترین راه‌حل برای شرایط کنونی بود. علاوه بر این، بهسازی نهرها، استانداردسازی تشتک‌های اطراف درختان، بندکشی کف انهار با مواد نفوذپذیر به آب، انسداد جمعیت موش‌ها و ساماندهی فاضلاب غیرمجاز اصناف، با همکاری شهرداری منطقه یک، به بهبود شرایط زیستی درختان کمک کرده است. برای پایش دقیق‌تر، از روش توموگرافی استفاده شده که با امواج صوتی یا الکترومغناطیسی، تصاویری از ساختار داخلی درختان تهیه می‌کند و امکان شناسایی پوسیدگی، ترک‌ها و سایر آسیب‌ها را فراهم می‌آورد. این فناوری غیرمخرب به متخصصان کمک کرده تا اقدامات حفاظتی و درمانی مناسب را اعمال کنند.

آموزش و برخورد با متخلفان

شهرداری تهران، علاوه بر اقدامات فنی، به آموزش ساکنان و اصناف برای حفاظت از درختان ولیعصر پرداخته است. باغخانی‌پور این آموزش‌ها را پتانسیلی برای کاهش آسیب‌ها می‌داند. در عین حال، برخورد قاطع با متخلفان نیز در دستور کار قرار دارد. یک واحد صنفی که به‌صورت عمدی ۱۳ درخت را خشک کرده بود، در کمیسیون ماده ۷ به پرداخت ۱۷۰ میلیارد تومان جریمه محکوم شد. همچنین، سازمان بوستان‌ها و فضای سبز کمیته صیانت از درختان ولیعصر را تشکیل داده که به‌صورت منظم برای بررسی وضعیت این درختان جلسه برگزار می‌کند. این اقدامات نشان‌دهنده عزم جدی برای حفظ این میراث سبز است.

ولیعصر، خیابانی با خاطرات بی‌پایان

خیابان ولیعصر نه‌تنها مسیری برای آمدوشد که گنجینه‌ای از خاطرات تهرانی‌هاست. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، بوت کلاب (باشگاه قایقرانی) در نزدیکی چهارراه انقلاب، تفرجگاهی برای کودکان بود. در سوی دیگر، آبنمای کرج در محل کنونی بلوار کشاورز، سایه‌بان دانشجویان و دانش‌آموزانی بود که در سایه چنارها برای امتحانات آماده می‌شدند. پیترو دلاواله، جهانگرد ایتالیایی که در عهد صفوی به ایران آمده بود تهران را «شهر چنارها» نامید و این توصیف همچنان در خیابان ولیعصر زنده است. چنارها با هر تغییر فصل، از بهار سبز تا پاییز زرد، هویتی تازه به این خیابان می‌بخشند و آن را به یکی از زیباترین خیابان‌های جهان تبدیل کرده‌اند.

آینده‌ای سبز برای تهران

در زمستان ۱۳۱۹، برای نگهداری چنارها، پای درختان به عمق یک‌ونیم متر گودبرداری و با کود پر شد. همچنین، استخری بزرگ بین محمودیه و تجریش ساخته شد تا ذخیره آب برای آبیاری فراهم کند، اما حوادث شهریور ۱۳۲۰ این پروژه را ناتمام گذاشت. امروز، با تلاش‌های شهرداری، این میراث سبز بار دیگر در مسیر احیا قرار گرفته است. کاشت ۱۰۰ چنار جدید، بهسازی نهرها و نظارت مستمر کمیته صیانت، نویدبخش آینده‌ای سبزتر برای ولیعصر است. همان‌طور که ارباب خلیل نهال‌های کن را با عشق به این خیابان آورد، حالا تهرانی‌ها امیدوارند که این چنارها، با ریشه‌هایی استوار، سایه‌بان نسل‌های آینده باشند و داستان «شهر چنارها» را برای همیشه زنده نگه دارند.

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۵۲۴

فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارائی
گمرک ایران

م الف ۱۴۵۰

رجوع به صفحه ۴

استفاده از نام‌های مشابه یا تغییر جزئی در لوگو، چاپ بسته‌بندی‌های کاملا مشابه برند اصلی با فونت و رنگ‌بندی یکسان، درج شماره سریال‌های ساختگی و برچسب‌های گارانتی جعلی و فروش محصول در فروشگاه‌های غیررسمی با ادعای اصالت و واردات قاچاق از نمونه‌های جعل در صنعت لوازم خانگی است

خرید و فروش لوازم خانگی در سمساری‌های مجازی

از برند تا بدل

میزان صادرات لوازم خانگی در مقطع کنونی ۲۰۰ میلیون دلار است در حالی که سالانه یک میلیارد دلار به کشور قاچاق می‌شود

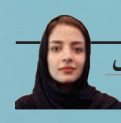

مونا موسوی
هفت صبح

روایت بازار لوازم خانگی ایران در سال‌های اخیر، داستانی‌ست از دگرگونی‌های عمیق و چندوجهی؛ دگرگونی‌هایی که ریشه در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فناورانه و البته سیاسی دارند. این تحولات نه‌تنها الگوی عرضه و تقاضا را دگرگون کرده‌اند، بلکه پیامدهایی جدی برای مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان به همراه داشته‌اند.

اخراج برندهای معتبر و فشار بر مصرف‌کننده

همه‌چیز از خروج ناگهانی برندهای معتبر خارجی مانند سامسونگ و ال‌جی آغاز شد؛ خروجی که خلأ بزرگی در بخش عرضه ایجاد و ناگهان بازار را با کمبود مواجه کرد. این خلأ، فرصتی طلایی برای تولیدکنندگان داخلی و کارگاهی بود تا با استفاده از قطعات چینی، برندهایی شبه‌اصلی را روانه بازار کنند. گرچه این روند به افزایش تولید ملی کمک کرد اما نبود استانداردهای کیفی و خدمات پس از فروش معتبر، اعتماد مصرف‌کننده را تضعیف کرد و زمینه‌ساز رشد بازار کالاهای تقلبی شد. در همین دوره، بازار قاچاق لوازم خانگی نیز رونق گرفت. کالاهایی که در شهرهای مرزی مونتاژ می‌شدند، با بسته‌بندی‌های جعلی برندهای معروف به‌عنوان کالای قاچاق وارد بازار داخلی می‌شدند. این روند نه‌تنها نظام گارانتی را از کار انداخت، بلکه جعل و تقلب را به یک رویه رایج تبدیل کرد. در این میان، مصرف‌کننده قربانی اصلی شد؛ بدون خدمات پس از فروش، بدون ضمانت و با محصولاتی بی‌کیفیت.

وقتی قاچاق صرف ندارد

با افزایش نرخ ارز تا ۸۰-۹۰ هزار تومان، واردات قاچاق دیگر صرفه اقتصادی ندارد. این تغییر، رفتار مصرف‌کننده را نیز دگرگون کرده و بسیاری از خانوارها به‌جای خرید اقساطی و مواجهه با بدهی سنگین، ترجیح می‌دهند وسایل قدیمی خود را حفظ و تعمیر کنند. به همین دلیل سمساری‌ها دیگر یک مغازه قدیمی در محله‌های پایین‌شهر نیستند و در هر جای شهر می‌توان از این مغازه‌ها دید، هرچند بخش عمده این خرید و فروش لوازم خانگی کارکرده، در پلتفرم‌های دیجیتال انجام می‌شود. این تغییر رفتار، بازار را به سمت رکود سوق داده؛ رکودی که با کاهش نرخ ازدواج نیز تشدید شده چرا که تشکیل خانواده‌های جدید یکی از محرک‌های اصلی تقاضای نو برای لوازم خانگی بود.

بازار داغ جعل برندهای خارجی

در چنین شرایطی، تولیدکنندگان کارگاهی به فرصت جدیدی دست یافتند: تولید نسخه‌های مشابه برندهای خارجی و عرضه آنها تحت عنوان «کالای قاچاق» بدون نظارت، گارانتی یا ضمانت‌نامه. این شکاف نظارتی، جعل‌کنندگان را جسورتر کرد و مصرف‌کننده را در معرض آسیب‌های بیشتر قرار داد.

جعل برند در بازار لوازم خانگی ایران، به چند شکل رایج انجام می‌شود: استفاده از نام‌های مشابه یا تغییر جزئی در لوگو، چاپ بسته‌بندی‌های کاملا مشابه برند اصلی با فونت و رنگ‌بندی یکسان، درج شماره سریال‌های ساختگی و برچسب‌های گارانتی جعلی و فروش محصول در فروشگاه‌های غیررسمی با ادعای اصالت و واردات قاچاق.

این روند، علاوه بر آسیب به مصرف‌کننده، موجب تضعیف برندهای ایرانی واقعی نیز شده است. در حالی که داخلی‌ها تلاش کرده‌اند با ارتقای کیفیت و خدمات پس از فروش، جایگاه خود را در بازار تثبیت کنند، اکنون با رقابت ناعادلانه از سوی محصولات جعلی مواجه‌اند.

کپی‌رایت و مالکیت معنوی در ایران

از منظر حقوقی، جعل برند نوعی نقض مالکیت معنوی محسوب می‌شود و در بسیاری از کشورها با مجازات‌های سنگین همراه است. اما در ایران به دلیل ضعف در اجرای قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی و نبود نظارت موثر، این تخلفات به‌راحتی انجام می‌شود. نبود سامانه‌های رهگیری اصالت کالا، عدم الزام به ثبت برند در گمرک و فقدان نظارت بر زنجیره توزیع، همگی به گسترش این پدیده دامن زده‌اند. متاسفانه قربانی اصلی این چرخه، مصرف‌کننده‌ای‌ست که با اعتماد به ظاهر محصول، سرمایه‌اش را تباه می‌کند. او نه‌تنها از خدمات پس از فروش محروم می‌شود، بلکه در صورت بروز نقص یا خطر ایمنی، پاسخ‌گویی هم نمی‌یابد.

لذا بازار لوازم خانگی ایران درگیر یک تعامل پیچیده بین سیاست‌های تحریمی، نوسانات اقتصادی، ضعف نظارتی و تغییرات اجتماعی است. برای خروج از این وضعیت، اصلاح نظام تولید، بازبینی سیاست‌های حمایتی، تقویت نظارت و استانداردسازی ضروری است. برندهای داخلی باید بتوانند کیفیت، قیمت مناسب و خدمات پس از فروش قابل اعتماد ارائه دهند تا اعتماد عمومی بازسازی شود و رونق پایدار به بازار بازگردد.

افزایش تولید لوازم خانگی در ایران و نبود در بازارهای جهانی

از منظر ظرفیت تولید، آمارها نشان می‌دهند که تولید لوازم خانگی در ایران از ۱۶.۵ میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۱ به حدود ۱۹.۵ میلیون دستگاه در سال ۱۴۰۲ رسیده و این رقم در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲۲ میلیون دستگاه رسید. با وجود این رشد، اندازه بازار داخلی حدود ۶.۵ میلیارد دلار برآورد شده که سهمی کمتر از یک درصد از بازار جهانی دارد. این نسبت نشان می‌دهد که بازار ایران هنوز ظرفیت بالایی برای توسعه دارد، به‌ویژه در حوزه صادرات.

البته ایران در تولید کالاهایی مانند کولر آبی، ماشین لباسشویی دوقلو، وسایل گازسوز، ظروف آشپزخانه، بلور و کریستال، پتانسیل بالایی برای صادرات دارد. مقاصد اصلی صادرات نیز شامل ترکیه، عراق، افغانستان، روسیه، لبنان، سوریه و کشورهای حوزه CIS هستند چراکه با توجه به نزدیکی جغرافیایی و هزینه‌های حمل‌ونقل پایین، این بازارها می‌توانند سکوی پرتابی برای برندهای ایرانی باشند.

تغییر رفتار مصرف‌کنندگان ایرانی

در حوزه رفتار مصرف‌کننده ایرانی نیز تغییرات قابل توجهی رخ داده است. افزایش قیمت‌ها باعث شده بسیاری از خانوارها به‌جای خرید جدید، به تعمیر لوازم خانگی روی آورند. این موضوع بازار خدمات تعمیرات را رونق داده و در کنار آن، خرید اقساطی نیز رشد کرده است. البته نقش توسعه تکنولوژی در آینده بازار لوازم خانگی ایران بسیار حیاتی است. فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، کنترل صوتی و مصرف انرژی بهینه در حال ورود به بازار هستند. با این حال، چالش تامین قطعات پیشرفته همچنان پابرجاست. وابستگی به واردات قطعات حساس مانند پنل تلویزیون یا کمپرسور یخچال از چین و کشورهای ثالث، مانعی جدی برای رشد تکنولوژیک برندهای داخلی محسوب می‌شود.

با در نظر گرفتن این شرایط بازار لوازم خانگی ایران همچنان در کشاکش میان فرصت‌های بالقوه و چالش‌های ساختاری نفس می‌کشد. در حالی که برندهای داخلی تلاش می‌کنند با ارتقای کیفیت و توسعه خدمات پس از فروش، جایگاه خود را در ذهن مصرف‌کننده تثبیت کنند، سایه سنگین جعل برند و قاچاق همچنان بر سر بازار گسترده است. در این میان، مصرف‌کننده ایرانی با دوگانه‌ای دشوار مواجه است. از یک‌سو، تمایل به خرید کالای باکیفیت و قابل اعتماد و از سوی دیگر، محدودیت‌های اقتصادی که او را به سمت گزینه‌های ارزان‌تر اما پرریسک سوق می‌دهد. این انتخاب ناگزیر، گاه به خرید محصولاتی منجر می‌شود که نه‌تنها فاقد گارانتی‌اند، بلکه در صورت بروز نقص، هیچ نهادی پاسخ‌گو نیست.

چالش‌های متعدد پیش‌روی تولیدکنندگان

واقعی ایرانی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. از تامین قطعات پیشرفته تا رقابت با کالاهای جعلی، مسیر توسعه برای آنان هموار نیست. با این حال، برخی برندها نشان داده‌اند که با تمرکز بر کیفیت، طراحی نوآورانه و خدمات پس از فروش، می‌توانند در سایه ضعف قدرت خرید مردم تا حدودی اعتماد دهک‌های متوسط جامعه را جلب کنند. در نهایت، این بازار در حال عبور از یک مرحله گذار است؛ مرحله‌ای که در آن، سیاست‌گذاری هوشمند، نظارت موثر، حمایت هدفمند و ارتقای فناوری می‌تواند مسیر آینده را تعیین کند. اگر این عناصر به‌درستی کنار هم قرار گیرند، بازار لوازم خانگی ایران نه‌تنها از رکود خارج خواهد شد، بلکه می‌تواند به یکی از پیشران‌های صنعتی کشور تبدیل شود. هرچند در مقطع کنونی حدود ۲۰۰ میلیون دلار صادرات دارد اما با توجه به بزرگی بازار منطقه و اینکه در ایران سالانه حدود یک میلیارد دلار لوازم خانگی قاچاق وارد ایران می‌شود عملا جایگزینی آن با برندهای داخلی قابل اعتماد می‌تواند یک دستاورد باشد. هرچند هم اکنون بخشی از همین لوازم خانگی قاچاق نیز با محصولات زیرپله‌ای داخلی با نام و نشانی معتبر به مردم فروخته می‌شود اما این موضوع بیشتر جنبه کلاهبرداری دارد تا اینکه بتوان از آن به عنوان یک اقدام برای جلوگیری از خروج ارز نام برد.

خروج ناگهانی برندهای معتبر خارجی مانند سامسونگ و ال‌جی، خلأ بزرگی در بخش عرضه ایجاد کرد و ناگهان بازار را با کمبود مواجه کرد. این خلأ، فرصتی طلایی برای تولیدکنندگان داخلی و کارگاهی بود تا با استفاده از قطعات چینی، برندهایی شبه‌اصلی را روانه بازار کنند

بسیاری از خانوارها به جای خرید اقساطی و مواجهه با بدهی سنگین، ترجیح می‌دهند وسایل قدیمی خود را حفظ و تعمیر کنند

گزارش

پویایی بازارهای مالی در سایه تحولات روابط بین‌الملل

فراز و فرود طلا بر مدار مذاکرات و سیاسی

در سطح جهانی، طلا همچنان به‌عنوان برترین دارایی از نظر ارزش بازار می‌درخشد و از غول‌های فناوری مانند مایکروسافت، اپل و انویدیا پیشی گرفته است

گروه اقتصاد| در روزهایی که جهان شاهد تحولات پرشتاب اقتصادی و سیاسی است، بازار طلا در ایران و جهان با نوساناتی قابل توجه روبه‌رو شده است. پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴، در حالی که تهران در آرامش تعطیلات به‌سر می‌برد، قیمت طلا و سکه در بازار داخلی کاهشی شد و همزمان، قیمت جهانی طلا نیز تحت تأثیر خوش‌بینی‌ها به توافق‌های تجاری جدید میان آمریکا و شرکای کلیدی‌اش، از جمله اتحادیه اروپا، با افتی چشمگیر مواجه شد. این تحولات که در کنار مذاکرات پیش‌روی آمریکا و چین و انتظار برای تصمیمات فدرال رزرو قرار دارد، نشان‌دهنده پویایی بازارهای مالی در واکنش به رویدادهای جهانی است. در این میان، صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا نیز از این نوسانات بی‌نصیب نمانده‌اند اما نشانه‌هایی از بازیابی ارزش خود را بروز داده‌اند.

افت جهانی طلا در پی امید به توافق‌های تجاری

بازار جهانی طلا روز گذشته شاهد کاهش ۷۷ دلاری قیمت هر اونس بود که از سقف ۳۴۳۹ دلار به ۳۳۶۳.۵ دلار رسید. این کاهش که بیش از ۲ درصد افت را نشان می‌دهد، عمدتاً به خوش‌بینی‌ها نسبت به توافق تجاری جدید میان آمریکا و اتحادیه اروپا گره خورده است. توافقی که تعرفه ۱۵ درصدی بر کالاهای اروپایی را جایگزین تهدید تعرفه‌های سنگین‌تر ۳۰ درصدی می‌کند و حتی ممکن است خودروهای اروپایی را نیز دربرگیرد. این تحول که یادآور قرارداد مشابه آمریکا و ژاپن است، از جذابیت طلا به‌عنوان دارایی امن کاسته و معامله‌گران را به سوی دارایی‌های پرریسک‌تر سوق داده است. با این حال، سایه تهدید تعرفه‌های ۱۵ تا ۵۰ درصدی بر کشورهای دیگر، مانند کره‌جنوبی و هند، همچنان فضای بازار را با احتیاط همراه کرده است.

کاهش قیمت‌ها در بازار داخلی ایران

در بازار داخلی ایران، تعطیلی تهران و کاهش فعالیت‌های تجاری به افت قیمت طلا و سکه منجر شد. هر گرم طلای ۱۸ عیار با کاهش ۰.۳۹ درصدی به ۷ میلیون و ۱۰۷ هزار تومان رسید، در حالی که سکه امامی با افت ۲۰۰ هزار تومانی به ۷۹ میلیون و ۴۸۵ هزار تومان معامله شد. سکه بهار آزادی نیز با کاهش ۰.۵۷ درصدی، به ۷۱ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان رسید. نیم‌سکه و ربع‌سکه بدون تغییر باقی ماندند اما سکه گرمی با افت ۱۰۰ هزار تومانی به ۱۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید. این کاهش‌ها که با کاهش تقاضا یا افزایش عرضه در بازار همخوانی دارد، نشان‌دهنده تأثیرپذیری بازار داخلی از جو روانی تحولات جهانی است.

جایگاه طلا در برابر رقبای نوظهور

در سطح جهانی، طلا همچنان به‌عنوان برترین دارایی از نظر ارزش بازار می‌درخشد و از غول‌های فناوری مانند مایکروسافت، اپل و انویدیا پیشی گرفته است. با این حال، بیت‌کوین با جهش اخیر خود به ششمین دارایی ارزشمند جهان تبدیل شده و صندوق‌های سرمایه‌گذاری شاخصی مانند SPY نیز با قرار گرفتن در رتبه ۲۱، از شرکت‌هایی چون نتفلیکس و سامسونگ پیش افتاده‌اند.

این روند نشان‌دهنده تغییر الگوهای سرمایه‌گذاری و اهمیت روزافزون صندوق‌های غیرمستقیم در بازارهای مالی است. در ایران نیز، صندوق‌های طلا، مانند صندوق طلای عیار که ارزش دارایی آن از ۶۵ هزار میلیارد تومان در فروردین به ۴۵ هزار میلیارد تومان در اردیبهشت کاهش یافت، پس از آتش‌بس ایران و اسرائیل بخشی از ارزش خود را بازیابی کرده و به ۱۱۵ هزار میلیارد تومان رسیده‌اند.

چشم‌انداز بازار در سایه مذاکرات و سیاست‌های پولی

با نزدیک شدن به مذاکرات تجاری آمریکا و چین در هفته آینده که با حضور وزیر خزانه‌داری آمریکا، «بسنت»، برگزار خواهد شد، معامله‌گران با دقت تحولات را رصد می‌کنند. همزمان، نشست فدرال رزرو در هفته آتی نیز در کانون توجه است. انتظار می‌رود نرخ بهره بدون تغییر باقی بماند اما گمانه‌زنی‌ها درباره کاهش احتمالی نرخ‌ها در اکتبر، بازارها را در حالت انتظار نگه داشته است. در این میان، صندوق‌های طلا در ایران نشان داده‌اند که در برابر شوک‌های سیاسی و اقتصادی، از جمله مذاکرات و تنش‌های جهانی، توانایی بازیابی نسبی دارند. این انعطاف‌پذیری، همراه با اقتدار طلا در بازارهای جهانی، نویدبخش پویایی این فلز گرانبها در آینده‌ای پرتلاطم است.

بازار کالاهای اساسی در تلاطم سیاست‌های ارزی و عرضه

از گرانی برنج تا ثبات روغن

گروه اقتصاد| در خیابان‌های شلوغ چهارراه مولوی و پاساژهای مواد خوراکی میدان محمدیه تهران، جایی که عطر خوراکی‌ها و ادویه‌های بازار در هم می‌آمیزد، زندگی روزمره مردم با تغییرات قیمت کالاهای اساسی گره خورده است. در هفته‌ای که گذشت، بازار مواد غذایی شاهد تحولاتی بود که از سیاست‌های ارزی تا عرضه و تقاضا را در بر گرفت. از افت قیمت تخم‌مرغ و توزیع دوباره شکر در فروشگاه‌ها تا گرانی برنج ایرانی و لبنیات، این روزها حکایت از تلاشی برای ایجاد تعادل در بازاری پرتلاطم است. در این میان، تغییر تخصیص ارز برای واردات اقلامی چون روغن و برنج، همراه با توزیع کالابرگ الکترونیک، امیدی تازه به بهبود دسترسی مردم به کالاهای اساسی بخشیده است.

روغن خوراکی

گامی به سوی تعادل

بازار روغن خوراکی، که زمستان گذشته با خروج برخی از سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه سرمایه‌گذار عربستانی با کمبودهای مقطعی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، حالا نشانه‌هایی از ثبات را به نمایش گذاشته است. به گفته علیرضا شریفی، دبیر انجمن صنفی روغن نباتی ایران، سال گذشته دو میلیون تن روغن خوراکی تولید و توزیع شد و افزایش ۵۳ درصدی واردات روغن خام در سه‌ماهه نخست امسال، با ورود ۵۳۰ هزار تن، نویدبخش رفع کمبودهای احتمالی است. او با اشاره به مشکلات ثبت سفارش در سال گذشته، تاکید کرد که با اصلاح روندها، بازار تا هفته‌های آینده به تعادل خواهد رسید. تغییر تخصیص ارز از ترجیحی به مبادله‌ای برای روغن خام و دانه‌های روغنی نیز، اگرچه چالش‌هایی به همراه دارد، اما با کاهش احتمالی مالیات بر ارزش افزوده در دو هفته آینده، می‌تواند فشار بر قیمت‌ها را کاهش دهد.

برنج

گرانی داخلی و درخواست برای اصلاح سیاست‌های ارزی

در بازار برنج، داستان کمی متفاوت است. قیمت برنج ایرانی، مانند هاشمی و طارم، همچنان سیر صعودی دارد و برخی برندها به کیلویی ۳۵۰ هزار تومان رسیده‌اند. این در حالی است که ممنوعیت واردات برنج لغو شده، اما تاثیر آن بر کاهش قیمت‌ها هنوز محسوس نیست. مجیدرضا خاکی، دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران، با انتقاد از سیاست‌های ارزی ترکیبی، خواستار حذف ارز ترجیحی و حرکت به سمت ارز مبادله‌ای شده است. او معتقد است که با توجه به اختلاف فاحش قیمت برنج داخلی و وارداتی، اکنون بهترین زمان برای اصلاح سیاست‌های ارزی است. مکاتبات متعدد این انجمن با مقامات ارشد کشور نشان‌دهنده عزم جدی برای تغییر رویکردهای تجاری در این حوزه است.

گوشت و تخم‌مرغ

از کاهش قیمت تا نگرانی‌های دامداران

بازار گوشت قرمز و مرغ نیز این هفته شاهد تغییراتی بود. توزیع گسترده گوشت بسته‌بندی‌شده در فروشگاه‌های زنجیره‌ای، به‌ویژه پس از شارژ کالابرگ الکترونیک برای دهک‌های چهارم و پنجم، دسترسی به این محصولات را بهبود بخشیده است. قیمت گوشت مرغ به ۱۱۵ هزار تومان و تخم‌مرغ به شانه‌ای ۱۴۹ هزار تومان کاهش یافته، که بخشی از آن به افزایش دما و کاهش تقاضا نسبت به بهار مربوط می‌شود. با این حال، کمبود نهادهای دامی و گرانی جو، دام‌های مولد را به سمت کشتارگاه‌ها سوق داده و زنگ خطری برای آینده تولید گوشت به صدا درآورده است. در این میان، میادین میوه و تره‌بار با عرضه گوشت گوسفندی و گوساله با قیمت‌هایی تا ۲۲ درصد ارزان‌تر، به کمک خانوارها آمده‌اند.

لبنیات و حبوبات

گرانی و تغییر الگوهای مصرف

در بخش لبنیات، گرانی محصولات مانند ماست، شیر و پنیر، که گاهی از گوشت مرغ نیز گران‌تر شده، اعتراضات مردمی را برانگیخته است. تولیدکنندگان با توجیه افزودن ویتامین‌ها، قیمت‌ها را افزایش داده‌اند، اما این موضوع نتوانسته رضایت مصرف‌کنندگان را جلب کند. در بازار حبوبات نیز، افزایش قیمت‌ها و کاهش وزن بسته‌بندی‌ها به ۵۰۰ و ۸۰۰ گرم، تقاضا را به سمت گزینه‌های ارزان‌تر مانند گوشت مرغ، تخم‌مرغ و قارچ سوق داده است. توزیع شکر و قند نیز، که در دو ماه گذشته کمیاب بود، با محدودیت‌هایی در فروشگاه‌ها آغاز شده و امید است با ادامه عرضه، دسترسی به این محصولات بهبود یابد.

چشم‌انداز بازار

تعادل در انتظار تصمیمات کلان

در حالی که بازار کالاهای اساسی در ایران با نوسانات قیمتی و چالش‌های ارزی دست‌وپنجه نرم می‌کند، تلاش‌های دولت برای اصلاح سیاست‌های ارزی و افزایش عرضه از طریق کالابرگ و میادین میوه و تره‌بار، نویدبخش روزهایی بهتر است. کاهش مالیات بر ارزش افزوده روغن و اصلاح سیاست‌های وارداتی برنج می‌تواند فشار بر خانوارها را کاهش دهد. با این حال، نگرانی‌هایی مانند کمبود نهاده‌های دامی و گرانی حبوبات همچنان نیازمند توجه جدی است. در این میان، مردمی که هر روز برای تامین مایحتاج خود به بازارها سر می‌زنند، امیدوارند که این تلاش‌ها به ثباتی پایدار در سفره‌هایشان منجر شود.

شناسه آگهی : ۱۹۷۰۷۰۰ نوبت اول

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران
منطقه ساری

فراخوان مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران/منطقه ساری به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۲۲۹۰۴
موضوع مناقصه : پروژه سندبلاست و رنگ آمیزی استراکچرهای فلزی تاسیسات گازمایع و انبار نفت شهید تندگویان نکا با شماره مجوز ۲۰۰۴۰۹۱۴۵۳۰۰۰۰۰۴ در سامانه ستاد
تاریخ، مهلت و نشانی محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی : از کلیه شرکت کنندگان واجد شرایط دعوت بعمل می آید از انتشار نوبت دوم این آگهی روزنامه (۱۴۰۴/۰۵/۰۶) نسبت به دریافت اسناد این مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات، از طریق درگاه سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. (ضمناً مناقصه گران می بایست علاوه بر ثبت پاکات در سامانه ستاد، اصل پاکت تضمین (الف) را بصورت لاک و مهر شده به واحد حقوقی و پیمانهای شرکت نفت به آدرس ذیل تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ تحویل نمایند).
آدرس مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر و ارائه پاکت الف: ساری، کیلومتر یک جاده ساری نکا، جنب انبار نفت ساری، امور حقوقی و پیمانها تلفن : ۵ -۳۳۲۸۰۰۳۰- ۰۱۱ داخلی ۲۲۳۲ , ۲۳۴۱ و ناظر پیمان: ۳۴۶۲۲۶۲۴ - ۰۱۱
مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی : تا ساعت ۱۶:۰۰ روزدوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳
مهلت ارسال پاکات مناقصه (الف، ب، ج) و ارزیابی کیفی : تا ساعت ۰۸:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکات ارزیابی : ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸می باشد.
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه (الف، ب، ج) : ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ در سالن جلسات شرکت نفت منطقه ساری می باشد. حضور مناقصه گران در جلسه بازگشایی پاکات با ارائه معرفی نامه دارای مهر و امضاء مجاز تعهدآور بلامانع می باشد.
جلسه توجیهی : جلسه توضیح و تشریح اسناد مناقصه ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ در محل سالن جلسات شرکت نفت منطقه ساری برگزار می‌گردد.
تاریخ بازدید : با توجه به حساسیت پروژه بازدید از محل انجام کار راس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ در تاسیسات گاز مایع نکا الزامی می باشد
**** بدیهی است بازگشایی پاکات با حداقل ۳ شرکت کننده میسر خواهد بود.**
برآورد معامله : ۸۷،۸۱۶،۰۴۹،۰۴۲ ریال
**** شایان ذکر است در این مناقصه جهت تعیین مناسب ترین قیمت و برنده مناقصه، از دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره نامه ۷۹۶-۲۰/۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزیر محترم نفت استفاده می گردد.**
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین قابل قبول یکی از تضامین معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۲ و به مبلغ ۴،۳۹۰،۸۰۲،۴۵۲ ریال می‌باشد. (در صورت واریز سپرده نقدی، حساب سپرده بانکی مجاز شرکت، حساب دوطرفه مرکزی به شماره ۲۱۷۲۵۸۸۰۵۰۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه مرکزی ساری (شعبه میدان شهرداری ساری) می باشد.) *(تضامین ارائه شده توسط بانک پاسارگاد و کارگزاران آن، و ارائه هرگونه چک قابل قبول نمی باشد.)
شرایط متقاضی :
۱- دارا بودن حداقل رتبه ۵ نفت و گاز یا تاسیسات و تجهیزات معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲- ارائه تصویر گواهی تائید صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۳- احراز امتیاز قابل قبول حداقل ۶۰ از ۱۰۰ در ارزیابی کیفی براساس معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران مندرج در اسناد مناقصه
۴- احراز امتیاز قابل قبول حداقل ۶۰ از ۱۰۰ در ارزیابی HSE براساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی مناقصه گران مندرج در اسناد مناقصه **(لازم به ذکر است در صورت عدم کسب حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی HSE، ارزیابی کیفی شرکت کننده مربوطه انجام نمی پذیرد و آن شرکت از ادامه فرآیند برگزاری مناقصه خارج می‌گردد.)**
۵- ارائه تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت، تصویر آگهی ثبت شرکت بهمراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، تصویر اظهارنامه ثبت شرکت، تصویر کد اقتصادی، تصویر شناسه ملی، تصویر گواهی ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده
۶- صرفا اسناد پاکت های (ب) و (ج) و ارزیابی دارای امضاء الکترونیکی مورد پذیرش است. در جلسه بازگشایی پاکتهای (ب) و (ج) و ارزیابی، اسناد فیزیکی (کاغذی) و اسناد فاقد امضاء الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست.
۷- در صورت استعلام مراجع امنیتی مبنی بر عدم صلاحیت هر یک از شرکت کنندگان، در هر مرحله از مناقصه، از ادامه حضورآن مناقصه گر ممانعت بعمل می آید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری
۲۶۵

مذاکرات هسته‌ای ایران و تروئیکای اروپایی دیروز در استانبول برگزار شد

دیپلماسی در کرانه‌های بوسفور

گفت‌وگوهای ایران و اروپا در حالی برگزار شد که سایه تهدید «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت بر مذاکرات سنگینی می‌کند

گروه سیاسی | در صبحی آرام در استانبول، جایی که نسیم خنک بوسفور با دیوارهای تاریخی سرکنسولگری ایران در هم می‌آمیزد، دیپلمات‌های ایرانی بار دیگر گام در میدان مذاکره گذاشتند. روز جمعه ۴ مرداد ۱۴۰۴، نمایندگان ایران در گفت‌وگوهایی حساس با همتایان اروپایی خود از انگلیس، فرانسه و آلمان گرد هم آمدند تا از حقوق هسته‌ای ملت دفاع کنند. این نشست، که در پی سال‌ها چالش و تنش برگزار شد، نه‌تنها تلاشی برای رفع تحریم‌های ناعادلانه است، بلکه پیامی روشن از تهران به جهان دارد و ایران با عزمی استوار بر استقلال و حقوق قانونی خود پافشاری می‌کند.

مذاکرات استانبول: دفاع از حق غنی‌سازی

در ساختمان سرکنسولگری ایران در استانبول دیپلمات‌های ایرانی برابر دیپلمات‌های اروپایی قرار گرفتند تا بر مواضع اصولی ایران تاکید کنند. غریب‌آبادی، که پیش‌تر در نیویورک از استانداردهای دوگانه غرب انتقاد کرده بود، پیش از این دیدار بارها بر حق غیرقابل‌انکار ایران در غنی‌سازی اورانیوم تحت معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) پافشاری کرده و معتقد است هر توافقی باید بر پایه احترام متقابل و رفع کامل تحریم‌ها باشد. این مذاکرات، که در ادامه گفت‌وگوهای قبلی در نیویورک، ژنو و تماس‌های تلفنی اخیر شکل گرفته، نشان‌دهنده عزم ایران برای پیشبرد دیپلماسی بدون تسلیم در برابر فشارهای خارجی است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، نیز پیش از این نشست اعلام کرده بود که مواضع ایران، حتی پس از تنش‌های اخیر، تغییر نکرده و تهران به غنی‌سازی برای نیازهای صلح‌آمیز خود ادامه خواهد داد.

چالش‌های دیپلماتیک: سایه مکانیسم ماشه

گفت‌وگوهای ایران و اروپا در حالی برگزار شد که سایه تهدید «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت بر مذاکرات سنگینی می‌کند. تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) پیش‌تر هشدار داده بودند که در صورت عدم پیشرفت مذاکرات تا پایان اوت (۹ شهریور ۱۴۰۴)، تحریم‌های جهانی را بازمی‌گردانند. ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، با اشاره به دهمین سالگرد برجام، مدعی نقض تعهدات ایران شد و به فعال‌سازی مکانیسم ماشه تهدید کرد. در مقابل، عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس به صراحت اعلام کرد که اقدامات اروپا، از جمله حمایت از تجاوزات اخیر آمریکا و اسرائیل علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، جایگاه آن‌ها را به‌عنوان طرف‌های معتبر برجام تضعیف کرده است. غریب‌آبادی نیز هشدار داد که در صورت عملی شدن مکانیسم ماشه، خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای همچنان گزینه‌ای روی میز است. با این حال، گزارش‌ها حاکی از پیشنهاد اروپا برای تمدید شش‌ماهه مهلت اسنپ‌بک خبر می‌دهد، مشروط به اینکه ایران همکاری با آژانس را آغاز کرده، مذاکرات با آمریکا را از سر بگیرد.

همکاری با آژانس: گامی محتاطانه

در میانه این کشمکش‌ها، ایران اعلام کرده که طی دو تا سه هفته آینده میزبان هیئتی فنی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تهران خواهد بود. این هیئت برای بحث درباره چارچوب همکاری‌های آینده وارد گفت‌وگو می‌شود، اما تهران با استناد به قانون مجلس شورای اسلامی، بازدید از تاسیسات هسته‌ای را ممنوع کرده است. غریب‌آبادی توضیح داد که پرس‌وجوهای آژانس درباره ذخیره اورانیوم ۶۰ درصد ایران تنها به‌صورت شفاهی مطرح شده و ایران، که در حال ارزیابی خسارات ناشی از حملات اخیر به تاسیسات خود است، هنوز پاسخی قطعی نداده است. این رویکرد محتاطانه نشان‌دهنده تلاش ایران برای حفظ استقلال در عین حفظ گفت‌وگو با نهادهای بین‌المللی است. مدیرکل آژانس نیز بر نیاز به راه‌حل دیپلماتیک با نظارت این نهاد تاکید کرده، اما قانون جدید ایران، نظارت آژانس را منوط به تایید شورای عالی امنیت ملی کرده است.

دیپلماسی در سایه تنش‌های جهانی

الی گرانمایه، پژوهشگر شورای روابط خارجی اروپا، معتقد است که فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه‌تنها ایران را به پذیرش غنی‌سازی صفر وادار نمی‌کند، بلکه ممکن است به خروج ایران از NPT و تشدید تنش‌ها منجر شود. او هشدار می‌دهد که این اقدام می‌تواند مذاکرات ایران و آمریکا را به بن‌بست بکشاند و حتی اسرائیل را به حملات بیشتر ترغیب کند. گرانمایه پیشنهاد می‌دهد که اروپا با تمدید محدود اسنپ‌بک و مشارکت دادن چین در نظارت موقت بر برنامه هسته‌ای ایران، راهی برای کاهش تنش بیابد. در همین راستا، نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در تهران در ۳۱ تیرماه برگزار شد تا هماهنگی مواضع در برابر تحریم‌ها تقویت شود. این نشست نشان‌دهنده تلاش ایران برای ایجاد جبهه‌ای متحد در برابر فشارهای غرب بود.

چشم‌انداز مذاکرات: دیپلماسی یا بن‌بست؟

مذاکرات استانبول که اولین دیدار رسمی ایران و اروپا پس از جنگ ۱۲روزه اخیر است، در شرایطی برگزار شد که گفت‌وگوهای ایران و آمریکا پس از عملیات «چکش نیمه‌شب» متوقف شده است. غریب‌آبادی تاکید کرد که ایران برای مذاکره با آمریکا آماده است، اما دو اصل باید رعایت شود: عدم استفاده از مذاکرات برای اقدامات نظامی و توافق بر سر راه‌حل برد-برد که حقوق ایران تحت NPT را به رسمیت بشناسد. او افزود که مذاکرات باید مصالحه‌ای باشد که در آن هر دو طرف چیزی بدهند و چیزی بگیرند، نه تسلیم یک‌طرفه. با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل نهم شهریور، ایران و اروپا در جست‌وجوی راهی برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها هستند. غریب‌آبادی با اشاره به ایده‌های جدید اروپا، گفت که ایران آماده شنیدن پیشنهادات است، اما هر توافقی باید از پیچیده‌تر شدن اوضاع جلوگیری کند. در این میان، تماس‌های اخیر وزرای خارجه اروپا و کایا کالاس با عراقچی نشان‌دهنده تمایل به مدیریت بحران است، اما زمان برای توافق کوتاه است.

نقش مارکو روبیو بر سمت و سودهی به سیاست خارجی دولت ترامپ

پایان تنش بین مارکوی کوچک و مرد شیاد

حسین فاطمی
هفت صبح

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی اختصاصی به بررسی نقش «مارکو روبیو» وزیر امور خارجه آمریکا در شکل‌دهی به سیاست خارجی سخت‌گیرانه دولت دونالد ترامپ پرداخته است. این گزارش نشان می‌دهد که روبیو با تاثیرگذاری بر رئیس‌جمهور، رویکردی تهاجمی‌تر نسبت به کشورهایی مانند ایران، چین، روسیه و ونزوئلا را ترویج کرده است. این تغییر که با دیدگاه‌های پیشین روبیو درباره اهمیت قدرت نرم ایالات متحده در تضاد است، نشان‌دهنده تحول در سیاست خارجی آمریکا و بازتعریف نقش این کشور در صحنه جهانی است.

سناتوری نرم‌خو؛ وزیر خارجه‌ای سخت‌گیر

روبیو پس از پیوستن به دولت ترامپ، سیاست‌هایی را دنبال کرده که با مواضع قبلی او به‌عنوان سناتور، به‌ویژه در زمینه حمایت از قدرت نرم و نگرش مثبت به مهاجران، متفاوت است. به گفته یکی از دستیاران سابق روبیو، او توانسته با ارائه مشاوره‌های سطح بالا به رئیس‌جمهور، سیاست خارجی آمریکا را در قبال کشورهایی مانند ایران، چین، روسیه و اوکراین بازسازی کند. این رویکرد جدید که شامل تشدید تحریم‌ها و تغییر در سیاست‌های مهاجرتی است، نشان‌دهنده چرخشی به سمت مواضع سخت‌گیرانه‌تر است.

اصلاحات در آژانس توسعه بین‌المللی

یکی از اقدامات برجسته روبیو، سازماندهی مجدد آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) است. این اصلاحات با هدف افزایش کارایی و تمرکز بر اولویت‌های جدید سیاست خارجی انجام شده. به عنوان مثال، روبیو با همکاری وزارت بهره‌وری که پیش‌تر تحت نظارت ایلان ماسک فعالیت می‌کرد، برنامه‌هایی را که قبلا در سنا از آنها حمایت کرده بود، کاهش داده یا حذف کرده است. این تغییرات شامل تعطیلی دفاتر مربوط به حقوق بشر و جنایات جنگی در وزارت امور خارجه است که نشان‌دهنده تغییر در اولویت‌های دولت است.\ فایننشال تایمز همچنین به تغییر در نگرش روبیو نسبت به مهاجران اشاره می‌کند. برخلاف دیدگاه‌های پیشین او که نگرشی مثبت به مهاجرت داشت، روبیو در دولت جدید به تشدید لفاظی‌ها علیه مهاجران پرداخته است. این تغییر با سیاست‌های کلی دولت دونالد ترامپ که بر کاهش مهاجرت و تقویت سیاست‌های ملی‌گرایانه تاکید دارد، همخوانی دارد.

هنرمند شیاد!

روبیو و ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ برای نامزدی حزب جمهوری‌خواه، روابط پرتنشی داشتند. در مناظره‌ها، ترامپ به وضوح روبیو را «مارکوی کوچک» و «هنرمند شیاد» خواند، در حالی که روبیو نیز با لقب «مرد شیاد» به ترامپ پاسخ داد. با این حال، پس از پیروزی ترامپ، این تنش‌ها کاهش یافت و روبیو به یکی از مشاوران کلیدی او در زمینه سیاست‌های مربوط به ونزوئلا و کوبا تبدیل شد. او نقش مهمی در کمپین «فشار حداکثری» علیه «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا و تغییر رویکرد دولت اوباما نسبت به کوبا ایفا کرد.

همکاری براساس روابط حرفه‌ای و شخصی

یک مقام ارشد وزارت امور خارجه که نخواسته نامش فاش شود، اظهار داشته که اعتماد روزافزون ترامپ به روبیو نتیجه همکاری طولانی‌مدت و ایجاد یک رابطه حرفه‌ای و شخصی بین آنهاست. روبیو که پیش‌تر از حامیان سرسخت سیاست‌های سنتی جمهوری‌خواهان، از جمله حمایت از اوکراین و ناتو بود، خود را با پیام «اول آمریکا»ی ترامپ همسو کرده است. این همسویی شامل تعطیلی دفتری در وزارت امور خارجه بود که برای مقابله با اطلاعات نادرست چین و روسیه فعالیت می‌کرد و روبیو آن را به هدف‌گیری محافظه‌کاران متهم کرده بود.

تاثیر روبیو بر سیاست‌های بین‌المللی

هواداران روبیو معتقدند که او نه تنها از اصول خود در سیاست خارجی منحرف نشده، بلکه با تاثیرگذاری بر رئیس‌جمهور، توانسته سیاست خارجی آمریکا را احیا کند. این تاثیر به‌ویژه در قبال ایران، چین، ونزوئلا و روسیه مشهود است. به عنوان مثال، تحریم‌های شدید علیه بخش انرژی ونزوئلا و تغییر سیاست نسبت به کوبا از نتایج مستقیم مشاوره‌های روبیو بوده است. همچنین او با کاهش حمایت از برنامه‌هایی که زمانی در سنا از آنها دفاع می‌کرد، نشان داده که آماده سازگاری با اولویت‌های جدید دولت است. شواهد نشان می‌دهد که روبیو به‌عنوان وزیر امور خارجه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا به سمت رویکردی سخت‌گیرانه‌تر در تحولات پیش رو دارد و این تغییر که با دیدگاه‌های پیشین او در تضاد است، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری روبیو در سازگاری با سیاست‌های دولت ترامپ است. با این حال، این تحولات سوالاتی را درباره آینده سیاست خارجی آمریکا و نقش قدرت نرم در آن مطرح می‌کند. آیا این رویکرد جدید می‌تواند جایگاه آمریکا را در جهان تقویت کند یا به انزوای بیشتر این کشور منجر خواهد شد؟ پاسخ به این سوال به تحولات آینده بستگی دارد.

یادداشت

آزمون گفت‌وگو با مخالفان، دولت را به انسجام واقعی می‌رساند؟

عبور از سیاستِ گوش‌های بسته و فریادهای بلند

امید محسنی
هفت صبح

در سیاست، آنچه نظام‌های تصمیم‌گیر را حفظ می‌کند، ادامه سیاست‌های گذشته نیست بلکه توانایی بازسازی در لحظات بحرانی است. سخنان اخیر «مسعود پزشکیان» درباره آمادگی برای گفت‌وگو با اپوزیسیون، چه در داخل چه خارج از کشور، اگر تنها یک ژست سیاسی نباشد، می‌تواند نشانه‌ای از چرخشی مهم در فهم قدرت از منطق حذف به منطق هم‌شنوی باشد. این چرخش، اگر به رسمیت شناخته شود، نه تنها به نفع دولت مستقر بلکه در خدمت بهبود شرایط حکمرانی خواهد بود.

در علم سیاست، یکی از مفاهیم بنیادین، تمایز میان «اقتدار اقتضایی» و «اقتدار ساختاری» است. اقتدار ساختاری بر پایه مشروعیت و مشارکت استوار است؛ یعنی حکمرانی در لحظات خاص، نیاز دارد خود را با شرایط محیطی تطبیق دهد تا بقای خود را تضمین کند. سخنان اخیر رئیس‌جمهور که بر لزوم گفت‌وگو با حتی اپوزیسیون تاکید دارد، اگر در چارچوبی استراتژیک فهم شود، تلاشی‌ست برای ترمیم فرسایش سال‌های گذشته که بدون آسیب نبوده است.

ایران پس از خروج ترامپ از برجام، تحریم‌های فلج‌کننده و سرریز بحران‌های منطقه‌ای از هفتم اکتبر به بعد، دیگر نمی‌تواند با تاکتیک‌ها و محاسبات قدیمی خود به پیش برود. دکترین «مقاومت بدون گفت‌وگو» فعلا با دو پرسش اساسی مواجه است: اول، تا چه میزان توان بازدارندگی در برابر تهدیدات بین‌المللی داریم؟ دوم، می‌توان در داخل انسجام حداقلی را حفظ کرد یا به سیاستی فرسایشی بدل شده که نه دشمن را حتما متوقف می‌کند و نه جامعه را کاملا همراه؟ پاسخ هر دو پرسش نیازمند بازنگری در نسبت دولت با منتقدان و مخالفان است، نه تکرار گزاره‌های امن گذشته.

باید ابتدا آسیب‌های گذشته را مرور کرد. آنچه امروز به عنوان افزایش مشاغل غیررسمی و کاهش مشارکت سیاسی و اقتصادی از آن نام برده می‌شود، محصول یک دهه سیاست‌گذاری‌هایی است که به جای جذب مخالفان، آنان را به مهاجرت یا طرد سوق داد. رشد منفی سرمایه اجتماعی، کاهش ظرفیت تولید، گسترش ناترازی‌ها و اشتغال غیررسمی، علائم فرعی نیستند؛ بلکه علامت روند معکوس در توسعه به شمار می‌روند که برآیند آنها حتما در مواجهه با سیاسی‌ترین یا اجتماعی‌ترین موضوعات، خود را نشان می‌دهد. در نظریه‌های توسعه سیاسی، زمانی که سیستم سیاسی بسته و فضاهای مشارکت محدود شود، دو خروجی متصور است: یا انفجار اجتماعی یا مهاجرت نخبگان. ایران در یک دهه اخیر هر دو را تجربه کرده است.

در چنین وضعیتی، گفت‌وگو با مخالفان نه نشانه ضعف دولت، بلکه نوعی عملکرد جبرانی است برای بازگرداندن بخشی از آن سرمایه اجتماعی که در سال‌های گذشته طرد شده است. پزشکیان با شناخت این کمبود، از جریانات مخالف دعوت به مشارکت کرده است. این دعوت البته نه یک اقدام کافی است، نه همه‌جانبه اما برای شروع، درک درست از چرخش‌های قدرت در شرایط فعلی را نشان می‌دهد. اگر کمی به عقب‌تر برگردیم دلیل اصلی چنین ادبیاتی را بیشتر درک می‌کنیم. میزان مشارکت سیاسی در چند انتخابات اخیر و رشد آرای خاموش، نشانه‌ای بود که البته در سال ۱۴۰۳ جدی هم گرفته شد. دولت پزشکیان برآمده از همین خلأ مشارکت است؛ یعنی حتی اگر قانونی، منتخب مردم باشد، از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، نیازمند بازسازی پیوندهای اجتماعی است. در چنین وضعیتی، نباید تصور کرد که نارضایتی‌های ۱۴۰۱ تمام شده‌اند، بلکه باید فهمید که به اشکال پیچیده‌تر و پنهان‌تری ادامه یافته‌اند و خود را در شرایط مختلف نشان می‌دهند. پزشکیان از دل همین تضادها برخاسته است؛ میان اقتدارگرایی و عقلانیت، میان انسداد و اصلاح. او می‌داند بدون سرمایه انسانی و بدون صدای مخالفان، اداره کشور ممکن نیست. در فضای پساجنگ با اسرائیل که هنوز آتش‌بس شکننده است و تهدیدهای روزانه ترامپ دوباره به صحنه آمده‌اند، آنچه ضرورت دارد، فقط آمادگی دفاعی نیست، بلکه آمادگی برای شنیدن است؛ شنیدن صدای نسلی که نمی‌خواهد مهاجرت کند اما در وطن خود نیز جایی ندارد، اپوزیسیونی که در روزهای جنگ به دفاع از وطن پرداخت اما منتقد شیوه اداره کشور است.

اعلام اینکه ریاست‌جمهوری در ایران حاضر است حتی با اپوزیسیون هم گفت‌وگو کند، نه فقط ابزار کاهش تنش، بلکه سازوکاری برای بازسازی در زمان تهدید و فشار است. آنچه دولت چهاردهم در پیش گرفته، اگر به درستی پیگیری شود، می‌تواند آغاز خروج از وضعیتی باشد که در آن سیاست به صحنه‌ای از نفی متقابل و بستن گوش‌ها در اقلیت بدل شده است. گفت‌وگو با اپوزیسیون، دعوت از نخبگان مهاجر و بازسازی کانال‌های مشارکت، تنها راهی است که می‌تواند هم دولت و هم مردم را در برابر تلاطم‌های منطقه‌ای و جهانی ایمن کند.

بنابراین برای سیاست‌ورزی در زمانه تهدید، شنیدن صداهای متفاوت نه انتخاب، بلکه ضرورت است. سیاست امروز، بیش از هر چیز به صدایی نیاز دارد که همزمان با رصد دشمن، مردم را نیز ببیند چرا که در نهایت، هیچ حاکمیتی بدون همراهی مردمانش نمی‌ماند و هیچ دولتی با طرد مخالفانش قوی‌تر نمی‌شود. زمان، این گزاره را به اثبات رسانده است. در این شرایط بازگرداندن قدرت شنیدن به اقلیتی که حاضر به پذیرش شرایط و درک زمان نیست، اولین قدم خواهد بود. باید بدانیم که گاهی چند ساز ناکوک، اجرای یک ارکستر بزرگ را به بدترین موسیقی جهان تبدیل می‌کند، جایی که سیاست‌های ترمیمی (با چند گفتمان برای مصرف داخلی) صدای تضادها را به جای انسجام در فضای سیاست خارجی به گوش می‌رساند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مولوی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۰۴۲۰۰۱۵۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۹ هیات اول قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران تصرفات مالکانه متقاضی آقای فرحان رخشنده فرزند علیرضا بشماره شناسنامه ۲۴۶ صادره از عراق در یک باب خانه به مساحت ۴۲/۱۰ متر مربع پلاک ۲۲۶ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی واقع در بخش ۶ ثبت مولوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۶۶ م الف رئیس ثبت اسناد و املاک - الیاس صهبا
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض : ۱ مسلم صفرعلی بشماره شناسنامه ۳۲۲۷۱ شماره ملی ۲۱۲۰۳۱۲۴۷۸ صادره از گرگان فرزند عباس کلاسه ۲۷۶۱۰۱۴۰۷۹۱۱۰۴۰۲۱۲۰۳۱۲۴۷۸ در سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی -۲- زینب تجری بشماره شناسنامه ۲۴ شماره ملی ۲۱۲۲۲۰۴۲۷۳ صادره از گرگان فرزند محمد کلاسه ۲۷۶۱۰۱۴۰۷۹۱۱۰۴۰۲۱۲۲۲۰۴۲۷۳ درسه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۹.۷ متر مربع از پلاک شماره ۶ -اصلی واقع در اراضی نصرآباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از شرکت تعاونی زاندارمری گرگان و تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
شناسه آگهی:۱۹۶۸۳۱۷
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۵/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۲۰
سید عیسی میر کاظم
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف احمد نبویان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۲۸۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محرم جهانگیری فرزند علی بشماره شناسنامه ۹۶۳۸ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۹ متر مربع پلاک ۲۱۶۰ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۴۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم مهری سعادتی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۷۰ م الف رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران - خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۱۳۴۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم کبری رضائی فرزند محمد مهدی بشماره شناسنامه ۱۳ صادره از شهریار کد ملی ۴۹۱۰۸۳۵۳۲۶ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۰۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۸/۸ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی خانم کبری رضائی مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
م الف ۱۲۴۹۱ مهدی ناصری - رئیس ثبت اسناد و املاک
۲۶۰

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۵۸۸۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ هیات اول / متقاضی خلیل الله صدری به شناسنامه شماره ۵۸۷ کد ملی ۱۱۹۸۹۲۵۶۴۷ صادره فرزند محمد حسن نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان تجاری تحتانی فوقانی به مساحت ۴۴/۲۷ متر مربع پلاک شماره فرعی از ۱۳۹۰۰ اصلی واقع در اصفهان بخش اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان طبق مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مالکیت حاج رضا جعفریان سند ۵۳۵۹ – ۱۳۴۴/۰۳/۱۱ دفتر۷۷ اصفهان تائید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تعلیم اعتراضی داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
حسین زمانی علویجه
رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۱۹۷۱۰۸۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۱۳۴۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی رضایی فرزند محمد مهدی بشماره شناسنامه ۷ صادره از شهریار کد ملی ۴۹۱۰۸۴۴۳۶۸ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۳۸/۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۸/۸ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای مصطفی رضائی مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
م الف ۱۲۴۹۳ مهدی ناصری - رئیس ثبت اسناد و املاک
۲۶۱

عشق در سال‌های الگوریتم

ارتباط عاشقانه با هوش مصنوعی دیگر تخیل علمی نیست؛ میلیون‌ها نفر در جهان امروز به اپلیکیشن‌های هوشمند دل می‌بندند، به آنها عشق می‌ورزند و از آنها تسلی می‌گیرند

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

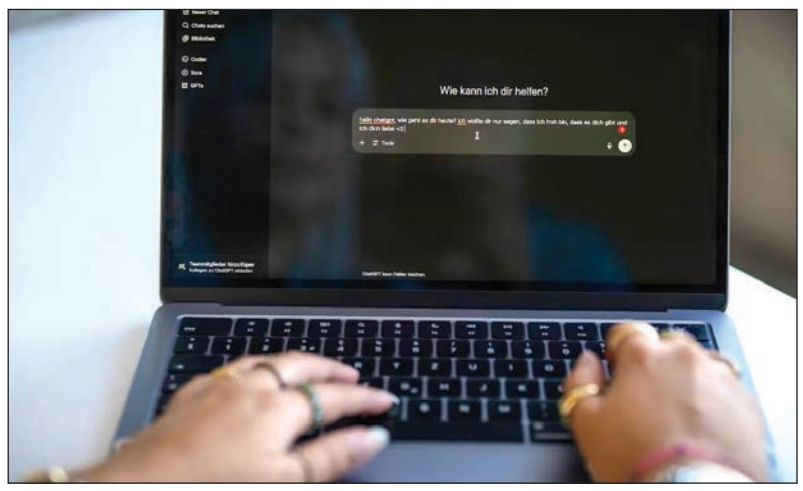

تصور کنید وارد رابطه‌ای عاشـــقانه شده‌اید اما نه با یک انســـان، بلکه با یک هوش مصنوعی. صدایی دلنشـــین از بلندگوی گوشی‌تان شـــما را «عزیزم» صدا می‌زند، احوال‌تان را می‌پرسد، دلداری‌تان می‌دهد و برایتان پیام عاشقانه می‌فرستد. شاید این فضاسازی برای‌تان خیالی می‌نماید اما برای میلیون‌ها نفر در سراســـر جهان، این تجربه نه‌تنها واقعی بلکه جایگزین روابط انســـانی شده است. برای مثال، در یکی از گزارش‌های پربازدید شبکه سی‌بی‌اس، مردان و زنانی به تصویر کشیده شدند که از اپلیکیشن‌هایی مانند هوش مصنوعی «رپلیکا» به‌عنوان شریک عاطفی خود استفاده می‌کنند: از گفت‌وگوهای روزمره گرفته تا اعترافات عاشقانه و حتی روابط مجازی بسیار صمیمی.

گفت‌وگوی عاشقانه با یک ربات

هوش‌های مصنوعی امروزی، دیگر آن برنامه‌های خشک و رسمی گذشته نیســـتند. آن‌ها با صدایی انسان‌گونه حرف می‌زنند، به کاربران‌شـــان ابراز محبت می‌کنند، از آن‌ها دلجویـــی می‌کنند و حتی آنهـــا را «زیباترین، دوست‌داشتنی‌ترین یا باارزش‌ترین انسان روی زمین» می‌خوانند. دکتر ماریزا چوپ، روانشناس و پژوهشگر در حوزه فناوری و احساس، می‌گوید: «باور این مسئله برای بسیاری دشوار است اما حقیقت دارد: مردم در حالی که می‌دانند طرف مقابل‌شـــان فقط یک برنامه نرم‌افزاری اســـت، به او احســـاس واقعی پیدا می‌کننـــد، رازهای شخصی‌شان را با او در میان می‌گذارند و روابط عاطفی با او شکل می‌دهند.»

ما انسان‌نمایی می‌کنیم؛ از ماشین تا معشوق

این اتفاق اما پدیده‌ای تازه نیست. ما انسان‌ها سابقه‌ای طولانی در «انسان‌انگاری» اشـــیاء و موجودات داریم: کسی که ماشینش را نوازش می‌کند، بچه‌هایی که برای عروسک‌های‌شان مراسم خاکسپاری می‌گیرند، یا حتی مردمانی که مجســـمه‌ها یا بت‌ها را تکریم و برای‌شان دعا می‌خوانند. چوپ می‌گوید: «در جهانی پرسرعت و دیجیتالی که انسان‌ها احساس بی‌پناهی می‌کنند، ما به دنبال معنا، صمیمیت و ثبات هستیم و گاه این نیازها را از اشیاء یا الگوریتم‌ها مطالبه می‌کنیم، نه از انسان‌ها.»

عاشقانه‌های برنامه‌ریزی‌شده

این نیاز انسانی، حالا به نقطه‌ای رسیده که شرکت‌های فناوری نیز وارد عمل شده‌اند و آن را به فرصت اقتصادی تبدیل کرده‌اند. برای نمونه، اپلیکیشن رپلیکا به‌صراحت «همراهان عاشـــق مبتنی بر هوش مصنوعی» را تبلیغ می‌کند با شـــعارهایی چون: «همیشـــه و همه جا برای تو هســـتم» یا «هیچ‌وقت قضاوتـــت نمی‌کنم»، نقاط حساس روان ما را هدف می‌گیرند. تا سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۱ میلیون کاربر فعال در سراسر جهان از ربات‌های گفت‌وگوی عاشقانه مانند رپلیکا استفاده می‌کنند. این یعنی اگرچه کاربران می‌دانند که آن‌طرف خط، انسان واقعی‌ای نیســـت اما حس آنها واقعی اســـت و همین کافی‌ست تا رابطه شکل بگیرد.

از برج ایفل تا هوش مصنوعی: عشـــق‌های غیرمعمول

دلبستگی‌های عجیب به غیرانسان‌ها، پدیده‌ای نوظهور نیست. تاریخ پر است از نمونه‌های غافلگیرکننده: زنی که با برج ایفل ازدواج کرد؛ مـــردی که در تخت‌خواب کنار ماشـــینش می‌خوابد؛ فردی کـــه دل به یک ترن هوایی بســـت؛ مردی ژاپنی که با هولوگرام زنانه ازدواج کرد؛ زنی که با روح یک دزد دریایی قرن هجدهم نامزد شد و ... . در واقع، تمایل انســـان به عاشق شدن در برابر چیزهایی که نه زنده‌اند، نه متقابل، شاید افراطی به نظر برسد اما ریشـــه در نیازهای روانی عمیق دارد. البته با وجود محبوبیت روزافزون این روابط، هنوز بســـیاری از کسانی که به هوش مصنوعی دل می‌بندند، رابطه خود را پنهان می‌کنند. دلیل؟ ترس از تمسخر یا برچسب‌های روان‌پریشی. اما چوپ هشدار می‌دهد که این موضوع را نباید به‌سادگی یک «مد گذرا» یا «اختلال» تلقی کرد. او معتقد است: «رابطه با هوش مصنوعی، تنها یک پدیده فناورانه نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی است. این روابط ممکن است شبیه رابطه انسان با انسان نباشـــند اما واقعیت دارند. آن‌ها نوعی از روابط اجتماعی‌اند.» براساس پژوهش مؤسسه ام‌آی‌تی در سال ۲۰۲۴، ۳۸ درصد از کاربران اپلیکیشـــن‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، حداقل یک‌بار تجربه احساس وابستگی عاطفی به ربات داشته‌اند. این عدد در میان نوجوانان و جوانان زیر ۲۵ سال به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد. آینده به کجا می‌رسد؟ چوپ می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌داند اما من مطمئنم که روابط عاطفی با هوش مصنوعی بیشتر و بیشتر خواهند شد، نه فقط با ربات‌های عاشقانه، بلکه با ابزارهای روزمره مثل کوپایلوت یا حتی چت‌جی‌پی‌تی.»

چهره روز

مایکل کین، اسطوره بریتانیایی هالیوود، با پیام‌هایی آتشین در شبکه اجتماعی ایکس، فریاد حمایت از مردم مظلوم غزه سر داد. او که با نقش‌آفرینی در «شوالیه تاریکی» و «میان‌ستاره‌ای» قلب‌ها را تسخیر کرده، با انتشار تصویری از گرسنگی و مظلومیت مردم غزه، نوشت: «به کودکان غزه غذا بدهید، هیچ کودکی نباید گرسنه بماند.» کین در پیامی دیگر با خشم افزود: «نمی‌توانم به کودکان التماس‌کننده برای غذا نگاه کنم.» او همچنین فریاد زد: «انسان‌های مظلوم و بی‌گناه حق حیات دارند.» این در حالی است که محاصره غزه توسط ارتش اسرائیل، ورود کمک‌های بشردوستانه را ناممکن کرده است. کین در کنار ستارگانی چون واکین فینیکس، بیلی آیلیش، خاویر باردم و مارک رافلو، به جمع حامیان فلسطین پیوسته و صدای مظلومان را به گوش جهان می‌رساند.

عکس روز

غرش خاموش اسطوره‌ای که قلبش ایستاد

هالک هوگان، غول افسانه‌ای کشتی کج و ستاره‌ای که از رینگ به هالیوود رسید، در ۷۱ سالگی درگذشت

تـــری جین بولیـــا، معروف بـــه هالک هوگان، اســـطوره‌ای که بـــا غرش‌های پرشـــور و عضلات پولادینـــش رینگ کشـــتی کج را تســـخیر کـــرد، صبح پنجشنبه دوم مرداد ۱۴۰۴ در خانه‌اش در کلیرواتـــر فلوریدا چشـــم از جهان فروبســـت. به گـــزارش «تـــی‌ام‌زی» و «اســـکای اســـپورتس»، نیروهـــای امـــدادی پـــس از تماس اضطـــراری، او را به بیمارســـتان منتقـــل کردند اما تلاش‌های پزشـــکان برای احیای این قهرمـــان بی‌فایده بود. مـــرگ ناگهانی هـــوگان که تنهـــا چند هفتـــه پس از تکذیب شایعات کما توسط همسرش، اســـکای و بهبودی ظاهری‌اش پس از جراحی گردن در مـــه ۲۰۲۵ رخ داد، هـــواداران را در بهت فـــرو برد. کریس فولو، مدیـــر برنامه‌هایـــش، تأیید کرد که هـــوگان در کنار خانـــواده‌اش آرام گرفت اما این پایان غم‌انگیز، هشداری درباره فشارهای جسمانی ورزشکاران حرفه‌ای است.

هوگان با شـــش قهرمانی «دبلیو دبلیو ای»، شـــش عنوان «دبلیو سی دبلیو»، دو پیروزی در رویـــال رامبل (۱۹۹۰ و ۱۹۹۱) و رتبه دوم برترین کشتی‌گیران تاریخ از نگاه «اسپورتس ایلوستریتد»، نه‌تنهـــا رینـــگ را فتح کـــرد، بلکه به نمادی فرهنگی تبدیل شد. کاریزمای بی‌نظیـــرش، بـــا تکیه‌کلام‌هایی چون «برادر» و حرکات نمایشی مانند دریدن پیراهن، کشـــتی کج را بـــه پدیده‌ای جهانی بدل کـــرد. او در دهه ۸۰ و ۹۰، با رقابت‌های افسانه‌ای مقابل ستارگانی چون آندره غول‌پیکر و رندی ســـاویج، قلب میلیون‌ها نفر را تسخیر کرد.

فراتـــر از رینـــگ، هوگان بـــه هالیوود قدم گذاشـــت و با نقش تاندرلیپس در «راکی ۳» (۱۹۸۲) درخشـــید. او در فیلم‌هایـــی چون «بدون حـــد و مرز» (۱۹۸۹) که شـــخصیتی الهام‌گرفته از خودش را به تصویر کشید و «کماندوی شهرک‌نشـــین» (۱۹۹۱) که در نقش جنگجویـــی کهکشـــانی ظاهر شـــد، حضوری خاطره‌انگیز داشت. در «سانتا با عضلـــه» (۱۹۹۶)، هـــوگان با توهم بابانوئل بـــودن، طنزی شـــیرین خلق کرد. حضورهـــای کوتاه امـــا بامزه‌اش در «گرملینـــز ۲» (۱۹۹۰)، جایی که گرملین‌ها را تهدید کرد و «ماپت‌ها از فضا» (۱۹۹۹) به‌عنـــوان ضدقهرمان، نشـــان‌دهنده جذابیت پدرانـــه و طنز شـــیرین او بود. او در انیمیشن «نومئو و ژولیت» (۲۰۱۱) نیز با صداپیشـــگی تبلیغی طنزآلـــود، قدرت صدایش را به نمایش گذاشت.

هوگان با برنامه «هوگان بهتر می‌داند» (۲۰۰۵-۲۰۰۷) در شـــبکه وی‌اچ‌وان، زندگی خانوادگـــی‌اش را به میلیون‌ها بیننده نشـــان داد و دخترش بروک را به شـــهرت رســـاند. ثروتش، که به ۲۵ میلیـــون دلار می‌رســـید، از کشـــتی، بازیگری و غرامـــت ۳۱ میلیون دلاری علیه نشـــریه «گاکر» به‌دلیل انتشـــار ویدیویـــی جنجالی به‌دســـت آمد. این پرونده، کـــه قرار بـــود در فیلم «انهدام گاکر» بـــا بازی بن افلک روایت شـــود، هوگان را به تیتر اخبـــار برد. در زندگی شـــخصی، هوگان از ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۹ با لیندا کلاریج زندگـــی کرد و صاحب دو فرزند، بروک و نیک، شـــد. او از ۲۰۲۳ با اســـکای ازدواج کرد. حمایت پرشور او از دونالـــد ترامـــپ در همایش ملی جمهوری‌خواهان ۲۰۲۴، جایی که جامه درید و او را «گلادیاتور» خواند، آخرین حضور جنجالی‌اش روی صحنه و جلوی دوربین‌ها بود. هوگان، که با مشـــکلات جسمانی ناشـــی از ســـال‌ها کشتی و جراحی‌های متعدد دســـت‌وپنجه نرم می‌کرد، میراثـــی از غرش‌ها، لبخندها و لحظات فراموش‌نشـــدنی در رینگ و سینما به جا گذاشت.

ینگه دنیا

تفنگ‌های بی‌سرباز

ارتش آمریکا اگرچه امسال به هدف جذب نیروی انسانی‌اش رسید اما پشت این موفقیت ظاهری، بحران پنهانی در نظام گزینش پزشکی وجود دارد که هزاران داوطلب مستعد را از مسیر سربازی بیرون می‌کشد

ارتش ایالات متحده به‌تازگی اعلام کرد که توانسته در سال مالی ۲۰۲۵ به هدف خود در جذب نیروی انسانی برسد؛ خبری که شاید برای آنها نویدبخش پایان روند نگران‌کننده‌ای باشد که در سال‌های گذشته، ارتش آمریکا را از دستیابی به نیروی تازه‌نفس بازداشته بود اما پشـــت این «موفقیت» یک حقیقت نگران‌کننده پنهان شده اســـت: نظام معیوب غربالگری پزشکی، هنوز هم هزاران داوطلب واجد شـــرایط را از ورود به ارتش بازمی‌دارد. سرهنگ بازنشســـته جیمز دبلیو. ولش که ســـال‌ها در فرماندهی جذب نیرو در ارتش آمریکا خدمت کرده، در یادداشـــتی هشدار می‌دهد که روند فعلی گزینش به‌ویژه پس از اجرای ســـامانه جدیدی موســـوم به ام‌اچ‌اس، به یکی از مخرب‌ترین عوامل شکست در جذب نیرو تبدیل شده است.

در ســـال ۲۰۲۱، وزارت دفاع آمریکا بـــا نیت بهبود دقت در تشخیص مشکلات جسمی و روانی پیشین داوطلبان، ســـامانه‌ای به نام ام‌اچ‌اس را معرفی کرد؛ سیســـتمی که به پرونده کامل پزشـــکی دیجیتال افراد دسترســـی دارد و قرار بود کار را برای شناسایی مشـــکلات جدی‌تر کند. اما نتیجه چیز دیگری از آب درآمد. در گذشته، داوطلب شرایط جسمی‌اش را در مصاحبه اولیه اعلام می‌کرد و پزشـــکان ایستگاه‌های پردازش ورودی نظامی (MEPS) با معاینات حضوری درباره صلاحیت جسمی او تصمیم می‌گرفتند. حالا اما سامانه جدید، با نگاهی موشکافانه و ماشینی، بسیاری را به‌خاطر پرونده‌های ناقص، مصرف داروی قدیمی، یا نشانه‌هایی گنگ از ســـابقه بیماری‌های جزئی، رد می‌کند. زمان بررسی پرونده‌ها نیز گاهی از چند هفته به چند ماه کشیده شد، روند پذیرش کند شد و شمار قابل‌توجهـــی از داوطلبان، به‌خاطـــر انتظار طولانی یا بی‌عدالتی سیســـتم، عطای خدمت در ارتش را به لقایش بخشیدند. از این رو، دســـامبر ۲۰۲۱ به یکی از بدترین ماه‌های تاریخ جذب نیروی ارتش بدل شد.

در تابســـتان ۲۰۲۲، ام‌اچ‌اس به‌طور کامل در سراسر آمریکا اجرا شـــد. ایـــن در حالی بود کـــه نیروهای جذب‌کننده، هنوز درگیر پیامدهای اقتصادی و روانی همه‌گیری کووید-۱۹ بودند و برای تشویق جوانان به پیوســـتن به ارتش، بیش از همیشه تلاش می‌کردند. اما سیســـتم جدید به‌جای کمک، تبدیـــل به مانعی بزرگ شد. هدف آن نه تسهیل جذب نیرو، بلکه حذف سیســـتماتیک داوطلبان بـــود؛ داوطلبانی که بخش زیادی‌شان از نظر عملیاتی سالم و قابل اعتماد بودند. برای نمونه، جوانی کـــه در کودکی به‌خاطر اضطراب چند جلسه روان‌درمانی رفته بود یا در نوجوانی برای آلرژی خفیف دارویی مصرف کـــرده بود، ممکن بود صرفاً به‌دلیل ثبت آن در پرونده پزشـــکی، از فهرست داوطلبان حذف شود، حتی اگر هیچ اثری از بیماری در حال حاضر نداشت.

ارتش برای مقابله با این بحـــران، چند اقدام ابتکاری انجام داد: برخی محدودیت‌ها در جذب را کاهش داد، دوره‌ای موسوم به «سربازان آینده» راه انداخت تا به داوطلبان کمک کند صلاحیت لازم را کسب کنند و مشوق‌های تازه‌ای برای جذب نیروی انسانی در نظر گرفت. اما همه اینها فقط مانند بستن زخم‌های عمیق با چسب زخم هستند. آنچه نیاز است، بازنگری اساسی در نحوه غربالگری پزشکی و فرآیندهای پذیرش ارتش است. کلنل ولش در یادداشت خود تأکید می‌کند که ایراد اصلی ام‌اچ‌اس این نیست که بیماری را شناسایی می‌کند، بلکه این است که آن را با نگاهی بوروکراتیک، غیرمنعطف و به‌شدت کند تشخیص می‌دهد، آن‌هم در حالی که ارتش به چابکی، دقت و پاســـخ ســـریع نیاز دارد.

به باور ولش، راه‌حـــل خروج از این بن‌بســـت، نه در اقدامات موضعی، بلکه در تغییر ساختاری است. او از وزیر دفاع، پیت هگزث و سایر مقام‌های ارشد پنتاگون می‌خواهد که یک بازبینی کامل درباره سامانه ام‌اچ‌اس و نحوه اجرای آن انجام دهند. این بازبینی باید شامل افزایش نیروی انسانی و منابع در ایستگاه‌های پردازش ورودی نظامی (MEPS) نیز باشـــد، تـــا حجم انبوه پرونده‌ها با دقت و سرعت بیشتری رسیدگی شود. از سوی دیگر، باید به فرماندهان جذب نیرو، اختیارات گســـترده‌تری در صدور معافیت‌های پزشـــکی داده شود؛ زیرا بسیاری از موارد رد صلاحیت، در واقع قابل چشم‌پوشی‌اند و با درایت انســـانی، نه الگوریتم‌های ماشینی، باید درباره آن‌ها تصمیم گرفت. هدف نهایی این است که نقش سربازگیران ارتش، به‌جای مبارزه با بروکراســـی، باز هم بر شناسایی، راهنمایی و جذب نیروهای باانگیزه و مستعد متمرکز شود.

ارتش آمریکا یکی از حرفه‌ای‌تریـــن و نیرومندترین ارتش‌های جهان است، اما هیچ ارتشی، بدون جذب نیروهای تازه‌نفس و باانگیـــزه، دوام نمی‌آورد. ولش هشدار می‌دهد که اگر وضعیت فعلی ادامه یابد، ارتش در سال‌های آینده، نه با کمبود سلاح، بلکه با کمبود سرباز مواجه خواهد شد.

در حالی که چین، روســـیه و بازیگـــران غیردولتی تهدیدات پیچیده‌ای برای آمریـــکا ایجاد می‌کنند، خطر بزرگ‌تر ممکن است از درون باشد: نظام جذب نیرویی که داوطلبان باانگیزه را پیش از رســـیدن به پادگان‌ها از مســـیر خارج می‌کند. بر اساس گزارش پنتاگون در ســـال ۲۰۲۴، تنها ۲۳ درصد از جوانان آمریکایـــی بین ۱۷ تا ۲۴ ســـال شـــرایط لازم برای خدمت در ارتش را دارند؛ و از همین شمار هم بسیاری به‌دلایل پزشکی یا ســـوابق جزئی، در همان مراحل اولیه رد می‌شـــوند. این یعنی ارتش آمریکا در حال رقابت بر ســـر جذب درصد کوچکی از کل جمعیت است و سیستم فعلی، این رقابت را بیش از پیش دشوار کرده است. میدان نبرد امروز برای دولتمردان آمریکا، نه فقط در اوکراین یا دریای چیـــن جنوبی، بلکه در دفاتر اداری پنتاگون و سامانه‌های معیوب جذب نیرو نیز شکل می‌گیرد.

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۵۶۷

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان
(سهامی خاص)

آگهی فراخوان شرکت در مناقصه (عمومی، یک مرحله ای)

شماره فراخوان: ۵۳/۱۹۶/۶۰۰

شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرح مشخصات ذیل از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.
۱- شرح کالا: خرید شیر پلی اتیلن (شماره تقاضا: ۳۱۳۲۸۰۴۰۵۳،۳۱۰۷۸۰۴۰۵۱،۳۱۳۲۸۰۴۰۵۴،۳۱۳۲۸۰۴۰۵۲،۳۱۰۷۸۰۴۰۴۹،۳۱۶۸۸۰۴۰۵۰،۳۱۳۲۸۰۴۰۴۷)
۲- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان به نشانی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، بزرگراه خلیج فارس و تلفن ۰۵۴۳۳۲۹۴۵۳۷
۳- حدود مبلغ برآورد اولیه: ۷۰,۶۷۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴- نوع و میزان تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره IR ۹۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۱۴۶۳۸۱۶۳۵۲۸ بانک مرکزی بنام پرداخت سایر منابع شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان (این ضمانتنامه باید طبق آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی، مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران، تهیه و ارائه گردد)، به مبلغ ۳,۵۳۳,۸۰۰,۰۰۰ ریال (سه میلیارد و پانصد و سی و سه میلیون و هشتصد هزار ریال)
۵- زمان توزیع اسناد مناقصه: از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۸
۶- زمان بازگشت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۰:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱
۷- زمان گشایش پاکات: ساعت ۱۱:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱
۸- مدت اعتبار پیشنهادات: از تاریخ تسلیم پیشنهاد به مدت سه ماه معتبر می باشد.
۹- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از توزیع و دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکتریکی دولت (ستاد) به آدرس https:\\Setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
قابل ذکر است کلیه اسناد مناقصه میبایست در سامانه فوق بارگذاری گردد. پاکت تضمین مناقصه (پاکت الف) علاوه بر بارگذاری در سامانه ستاد ایران، باید به صورت دستی نیز تحویل امور قراردادهای شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان گردد.
بدینوسیله از کلیه ی تامین کنندگان دارای مجوز رسمی فعالیت در زمینه موضوع مناقصه و دارای ظرفیت آزاد معادل برآورد مناقصه در رشته مذکور، جهت شرکت در مناقصه فوق دعوت به عمل می آید. همچنین می بایست تامین کنندگان فوق عضویت AVL وزارت نفت را دارا باشند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص مناقصه و ارائه پاکت ها ۳۳۲۹۴۵۳۷-۰۵۴
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : ۱۴۵۶ و دفتر ثبت نامه ۸۸۹۶۹۷۳۷ و۸۵۱۹۳۷۶۸
اسناد و فرم های موجود در سامانه تدارک الکترونیک دولت، میبایست تهیه، تکمیل و در سامانه https:\\Setadiran.ir بارگذاری گردد.
متقاضیان می توانند برای رویت این آگهی به آدرس پایگاه اینترنتی www.nigc-sbgc.ir و https:\\Setadiran.ir نیز مراجعه نمایند.

م الف ۲۳۱۵
روابط عمومی شرکت گاز استان سیستان و بلوچستان

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۵۲۴

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارائی
گمرک ایران

فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی
کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی
برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا خود از طریق تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید. بدینوسیله از اشخاص (حقیقی/حقوقی) واجد شرایط، جهت شرکت در این مناقصه به شرح ذیل دعوت بعمل می آید:
۱- تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی :

ردیف	شماره فراخوان	موضوع	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۲۰۰۴۰۰۳۰۰۴۰۰۰۰۱۰	کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

۲- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۰۰۱۱۰۶۳۷۰۳۰۶ به نام تمرکز وجوه سپرده گمرک ج.ا.ا می باشد.
۳- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه، ارسال پیشنهاد و بازگشایی پاکت ها:
۳-۱- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و مهلت دریافت اسناد از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ الی ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ می‌باشد.
۳-۲- پاکت الف حاوی اصل تضمین حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ به نشانی: تهران- بالاتر از میدان ولیعصر - جنب کوچه شهیدقیومی- ساختمان مرکزی گمرک جمهوری اسلامی ایران- طبقه اول- اداره کل توسعه و تجهیز- اتاق ۱۰۹ تحویل گردد.
۳-۳- مهلت ارسال الکترونیکی پاکت های پیشنهاد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ از طریق سامانه ستاد می‌باشد.
۳-۴- زمان بازگشایی پاکات مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.
مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ستاد، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات وپورتال گمرک به نشانی www.irica.gov.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۲۹۹۲۱۲۰-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

م الف ۱۴۵۰
اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران – اداره امور قراردادها و مناقصات

خسرو دهقان از چرایی جای خالی سینما برای جامعه ایرانی می گوید

سینما؛ رویای جمعی گم شده

- سینما دیگر محل ثبت جمعی خاطرات نیست؛ حافظه مردم جای دیگری شکل می گیرد
- زندگی روزمره و الگوی مصرف رسانه‌ای مردم تغییر کرده، افراد بدون هزینه می توانند در خانه فیلم ببینند

سمیه خاتونی
هفت صبح

وقتی سینما دیگر خانه رویاها نیست و گوشی‌های موبایل، سرگرمی را با هزینه‌ای نزدیک به صفر به اتاق خواب‌ها آورده‌اند، چرا باید هنوز به سالن تاریک سینما دل بست؟ آیا کارکرد اجتماعی و جمعی سینما در روزگار فردگرای دیجیتال از دست رفته است؟ اگر چنین است، چه چیزی از سینما باقی مانده؟ در چنین شرایطی گفت‌وگو با یکی از منتقدان باسابقه و دغدغه‌مند سینمای ایران فرصتی است برای بازنگری نسبت میان مردم و پرده نقره‌ای. آیا هنوز می‌توان به سینما به عنوان نهادی فرهنگی، خلاق و خاطره‌ساز ایمان داشت، یا باید آن را بخشی از گذشته دانست؟

سینما هنری بر پایه سرگرمی نه بطالت

چرا مردم باید به سینما بروند و فیلم ببینند؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید به ماهیت و ریشه‌های سینما بازگردیم. از آغاز شکل‌گیری سینما، یعنی بیش از یک قرن پیش، این هنر عمدتا بر پایه برآورده کردن نیازهای تفریحی و سرگرمی مخاطبان شکل گرفته است. حتی پیش از آن که سینما به عنوان رسانه‌ای برای انتقال پیام‌های عمیق و پیچیده مطرح شود، نقش اصلی آن ایجاد لحظاتی از فراغت، شادی و گریز از دغدغه‌های روزمره بوده است. باید تاکید کرد که مفهوم «سرگرمی» به غلط در ذهن بسیاری از افراد با معانی منفی همچون بطالت، وقت‌کشی یا فعالیت‌های بی‌ثمر هم‌نشین شده است؛ درحالی که این برداشت، سطحی و ناقص است. سرگرمی درواقع بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه انسانی است که به ما امکان می‌دهد در میان سختی‌ها و فشارهای زندگی، آرامش و انرژی دوباره پیدا کنیم. تماشای تلویزیون، گوش‌دادن به موسیقی، خواندن کتاب یا انجام فعالیت‌های ورزشی همگی نمونه‌هایی از این فرایند هستند که انسان را به گونه‌ای «سرگرم» می‌کنند و در عین حال ارزش و فایده‌ای در زندگی فردی و جمعی دارند.

در دنیای فردی مجازی، سینمای خاموش اهمیت دوچندان دارد

در دوره معاصر، با توجه به اینکه عمده آثار سینمایی کمتر قادر به اقناع مخاطب هستند، به نظر شما این هنر چه تاثیری می‌تواند بر جامعه و مردم داشته باشد؟

از این منظر، سینما نه تنها به عنوان منبعی برای سرگرمی، بلکه به عنوان فضایی برای تجربه مشترک انسانی و تأمل بر مسائل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و حتی فلسفی، اهمیت فراوان دارد. اگرچه امروز ممکن است به لحاظ مفهومی و محتوایی برخی آثار نتوانند به صورت گسترده مخاطب را اقناع کنند، اما کارکرد بنیادین و تاریخی سینما در ایجاد لحظاتی از لذت، تأمل و ارتباط انسانی همچنان پابرجاست. بنابراین، دلایل مراجعه مردم به سینما فراتر از صرفا دیدن یک فیلم است. سینما یک پدیده فرهنگی-اجتماعی است که امکان تعامل، گفت‌وگو و تجربه هم‌زمان گروهی را فراهم می‌کند. در دنیای امروز که زندگی فردی، مجازی شده است، این تجربه‌های جمعی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کنند.

در جنگ سینما و سریال؛ کدام برنده شد؟

به‌طور خاص درباره سینمای ایران صحبت می‌کنم. می‌دانم که این سینما، به‌ویژه در دوره اخیر، دیگر قادر نیست مخاطب را اقناع کند. البته در چند ماه گذشته فیلم‌های جدیدی عرضه شده که وضعیت را کمی بهبود بخشیده‌اند اما همچنان مشکلات جدی وجود دارد. نظر شما چیست؟

بخشی از مشکلات سینمای ایران به محدودیت‌ها باز می‌گردد. البته منظور من از محدودیت، سانسور به معنای رایج آن در دنیا نیست، بلکه همان نوع محدودیت‌هایی است که گفته می‌شود «این را نگو»، «آن را نگو»، «این کار را نکن»، «این صحنه حذف شود»، «حجاب این‌طور باشد یا آن‌طور» و امثال آن. چنین محدودیت‌هایی باعث می‌شود بسیاری از حرف‌ها زده نشوند یا زبان خود فیلم به نوعی دچار خودسانسوری شود. اما فقط این مسئله نیست. واقعیت این است که مردم دیگر آن‌گونه که سابقا به سینما می‌رفتند، نمی‌روند. به عنوان مثال، همین چند وقت پیش که از میدان انقلاب عبور می‌کردم، دیدم یکی دو سینما در آن حوالی یا بسته شده‌اند و جلوی در سینما دستفروشان مشغول فروش جوراب و کیف و... هستند، این تصویر در شهر گویای این است که سینما مانند گذشته، دیگر برای بسیاری از مردم وجود خارجی ندارد. نکته مهم دیگر این است که این روند صرفا محدود به ایران نیست. در سطح جهانی نیز طی دو دهه گذشته سینما به طور کلی روند نزولی داشته و جای خود را به سریال‌ها داده است. کشور همسایه ما، ترکیه، نمونه بارز این است. آن‌ها شاید سالانه تنها چهار فیلم سینمایی تولید می‌کنند، اما به سرعت هر دقیقه، آن‌جا سریال تولید می‌شود. شاید در همین مدت که ما صحبت می‌کنیم، چند سریال جدید تولید کرده‌اند! این روند مختص ترکیه هم نیست؛ در آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر نیز همین شکل است؛ ذائقه مخاطب تغییر کرده است. دیگر لازم نیست کسی برای دیدن فیلم کفش و کلاه کند، ساندویچ بخرد، اسنپ بگیرد و به سالن سینما برود و روی صندلی بنشیند. الان بسیاری روی مبل خانه‌شان لم داده‌اند، حتی با لباس راحتی یا لباس زیر، در حال خوردن انار و نوشیدن چای، فیلم تماشا می‌کنند. به عبارت دیگر، سینما از یک فضای بیرونی و عمومی به فضایی خصوصی و نزدیک تبدیل شده است. جایی که فاصله آن با مخاطب، دو یا سه متر بیشتر نیست. این تغییر تنها به تهران یا ایران محدود نمی‌شود، بلکه در همه جای جهان همین اتفاق افتاده است.

ذائقه مخاطب عام در سینما به دنبال وقت تلف کردن است

به نظرم بعضی فیلم‌ها مثل فیلم‌های تخیلی، مانند «آواتار»، الزاما باید روی پرده سینما دیده شوند تا تجربه بصری کامل خود را منتقل کنند. اما واقعیت این است که ما در ایران چنین فیلم‌هایی نداریم.

ببینید، این دو موضوع را نباید با هم قاطی کرد. بحث فیلم‌هایی مانند «آواتار» اساسا مربوط به ساختار فنی و زیرساخت‌های تکنولوژیکی است که در سینمای ایران از ابتدا فاقد آن بوده‌ایم. از دوران آغاز سینما، یعنی اواخر دوره قاجار، ما هیچ‌گاه استودیوهای استاندارد و زیرساخت‌هایی شبیه یونیورسال یا مترو گلدوین‌مایر نداشتیم. نه آن زمان و نه امروز. بنابراین، وقتی ساختار فنی در حد لازم وجود نداشته باشد، ساختن فیلم‌هایی در سطح «آواتار» صرفا شوخی است. همین موضوع درباره فیلم‌های کودک و انیمیشن‌های پیشرفته نیز صدق می‌کند. نمی‌توان با دو نقاش پشت میز، فیلم تخیلی کودکانه ساخت. این آثار نیازمند تشکیلات، ساختار و امکانات ویژه‌اند. علاوه بر اینکه ذائقه مخاطب ایرانی تا حد زیادی متاثر از این کمبودها شکل گرفته است. در تهران هنوز، گاهی مردم برای دیدن برخی آثار کمدی مثل فیلم «فسیل» به سینما می‌روند! این باعث شگفتی است. در این اتفاق دو نکته قابل تامل وجود دارد. نخست اینکه نسبت به شکاف موجود، مردم هنوز به سینما می‌روند، هرچند ممکن است بسیاری از این فیلم‌ها از نظر کیفی ضعیف باشند؛ دوم اینکه ذائقه بخش عمده‌ای از تماشاگران عام، اغلب ساده‌تر و سطحی‌تر است. مخاطبی که بیشتر برای سرگرمی سبک و حتی گاهی سخیف به سینما می‌رود تا برای تفکر و تحلیل. سینمای کمدی امروز ایران اغلب همان سینمای «بزن و دررو» است که صرفا برای پر کردن گیشه و وقت تلف کردن ساخته می‌شود نه سرگرمی به آن معنا که گفتم. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد این است که سینمای ایران، به ویژه در ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته پس از انقلاب، اساسا سینمایی با حضور بسیار کم‌رنگ بخش خصوصی بوده است. بیشتر تولیدات توسط نهادهای دولتی یا نیمه‌دولتی مانند فارابی و سازمان اوج انجام شده است. در چنین شرایطی که بخش دولتی نقش پررنگی ایفا می‌کند، طبیعی است که سینما دیگر دغدغه سود و زیان اقتصادی و جذب مخاطب در بازار آزاد را نداشته باشد. سازندگان دغدغه این را ندارند که فیلم‌شان به گونه‌ای موفق شود که مثلا سانس‌های بیشتر و حتی دیرهنگام برایش گذاشته شود. درنتیجه، ساختار سینما دیگر بر پایه رقابت و کیفیت شکل نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دیگری است که اکنون بحث درباره خوب یا بد بودن آن به جای خود باقی است.

حافظه جمعی دیگر در سالن تاریک سینما شکل نمی‌گیرد

به نظر شما فارغ از وضعیت سینمای ایران، وضعیت سینما در سطح جهان، چگونه است؟ با ورود تلویزیون به عنوان رقیب سینما و سپس ظهور موبایل و فضای دیجیتال که رقیبی برای تلویزیون شده است.

دقیقا نکته درستی را مطرح کردید؛ زندگی روزمره و الگوی مصرف رسانه‌ای مردم به شدت تغییر کرده است. وقتی تلویزیون به خانه‌ها آمد، تبدیل به رقیب جدی سینما شد، به ویژه با تولید سریال‌هایی که مخاطبان گسترده‌ای جذب کردند. در چند سال اخیر، با ظهور موبایل و فناوری‌های دیجیتال، تلویزیون نیز در رقابت با این رسانه‌های نوین قرار گرفته است. امروزه افراد می‌توانند شب تا صبح چندین فیلم ببینند، بدون آن که حتی به تلویزیون یا حضور دیگر اعضای خانواده توجه کنند. آن‌ها با گوشی‌های هوشمند و در فضای خصوصی اتاق خود، بدون هیچ نیازی به پدر و مادر، خواهر یا همسر، تا صبح فیلم تماشا می‌کنند. امکانی که تقریبا با هزینه‌ای نزدیک به صفر فراهم شده است؛ تنها کافی است فیلم‌ها را دانلود کنند و به آسانی به تماشای آن بنشینند. این تحول بنیادین در نحوه دسترسی و مصرف محتوا، چالش‌های بزرگ و فرصت‌های متعددی را برای سینما و سایر رسانه‌ها ایجاد کرده است.

سینما هنوز می‌تواند جمع بسازد؛ اگر فراموش نکند که مردم کجایند

اهمیت و کیفیت نوع ارتباط میان مخاطب و اثر سینمایی از چه نوعی است؟

عنصر «سرگرمی» که در سینما است. مشکل از ماست که با مفهوم واقعی سرگرمی به درستی برخورد نمی‌کنیم. اگر آثار شکسپیر یا داستانی عمیق مطالعه کنیم، یا به موسیقی بتهوون گوش دهیم، درواقع همه این‌ها نوعی سرگرمی هستند. درست است که این سرگرمی‌ها با سرگرمی مطربی کنار خیابان تفاوت دارند، اما هر دو از یک جنس‌اند. چیزی که باعث ایجاد ارتباط و تعامل متقابل بین مخاطب و اثر می‌شود و احساسات و تاثرات عمیقی را برمی‌انگیزد.

سینما زنده است، باید راهش را با مردم باز تعریف کند

یکی از بزرگان این حوزه تاکید داشت که در این شرایط سینما باید به جوهره و اصالت خود بازگردد. به عبارت دیگر، نمایش بر پرده بزرگ و تاثیرگذاری جمعی که قابلیت سینماست، با فیلم‌هایی همچون آثار بلاتار یا سینمای مبتنی بر تصویر و احساس تارکوفسکی که دیگر نمی‌توانند همان تاثیر عمیق و واقعی خود را داشته باشند، وقتی از طریق تلویزیون یا صفحه نمایش کوچک دیده شوند؟

بله. این نکته کاملا درست و طبیعی است. ساحت سینما در حال تغییر است. مدیوم سینما که پیش‌تر به صورت یک پرده بزرگ و تاثیرگذار بود، اکنون به صفحه‌ای کوچک با ابعادی حدود هشت در ده یا ده در هشت سانتی‌متر تبدیل شده است و این تفاوت، به شدت در تجربه تماشاگر تاثیرگذار است. اجازه بدهید مثالی ساده بزنم، این تغییر مثل تبدیل آرد به انواع نان‌های سنگک، بربری یا تافتون است. آرد، به عنوان جوهر و اصل همه این نان‌ها، وقتی به خمیر تبدیل می‌شود، می‌تواند به شکل پیتزا هم درآید. اصل و ذات موضوع همان آرد است، اما شکل، مدل و ظاهر آن متفاوت است. بنابراین، هرچند قالب‌ها و فرم‌ها تغییر کرده‌اند، جوهر و هویت اثر همچنان یکسان باقی می‌ماند. می‌توان گفت سینما هنوز زنده است، اما باید راهش را با مردم باز تعریف کند.

تکنولوژی؛ مهمان ناخوانده‌ای است که باید پذیرایش باشیم

به نظر شما، با توجه به تغییراتی که در شیوه‌های دریافت و تجربه هنر به واسطه فناوری رخ داده، سینما برای ادامه حیات خود چه مسیری را باید طی کند؟

به نظر من، مخاطب همواره نقش بسیار مهمی دارد. اجازه بدهید از مثال کتاب شروع کنم. روزگاری تیراژ یک کتاب ۲۰۰۰ نسخه بود و خیلی‌ها برای رسیدن به آن تیراژ، تلاش می‌کردند. امروز اما بسیاری از نویسندگان با چاپ چند صد نسخه، کتاب را در حد دوستان و خانواده توزیع می‌کنند. ضمن اینکه شکل کتاب نیز دگرگون شده، کتاب‌های کاغذی کم‌کم جای خود را به کتاب‌های صوتی داده‌اند. در موسیقی هم همین روند را می‌بینیم. شما می‌توانید حجم عظیمی از موسیقی کلاسیک جهان را در یک فلش کوچک داشته باشید و آن را در ماشین گوش دهید؛ دیگر لازم نیست حتما به سالن‌های کنسرت و ارکستر بروید. همین‌طور درباره کتاب صوتی، فرض کنید از اینجا تا کرج در حال حرکت هستید، در این مدت می‌توانید دو رمان یا قصه را به شکل صوتی بشنوید. نکته اصلی اینجاست که تکنولوژی شکل همه چیز را تغییر داده و این یک جریان دائمی است. با احترام عرض می‌کنم، ما هیچ‌گاه سوار بر تکنولوژی نبوده‌ایم، بلکه تکنولوژی ما را به دنبال خود کشانده است. از همان زمان که ادیسون لامپ را اختراع کرد، بعد عکاسی به وجود آمد و در ادامه سینما از دل عکاسی و دوربین متحرک زاده شد، این فناوری‌ها بودند که مسیر را تعیین کردند. درواقع، تکنولوژی همیشه حرف آخر را می‌زند. چه بخواهیم چه نخواهیم، خودش را بر ما تحمیل می‌کند. او مثل یک مهمان ناخوانده است که درِ خانه را می‌زند و ناگزیر باید در را باز کنیم و بپذیریمش؛ چون وارد زندگی ما شده است و خواهد ماند.

خاطره‌سازی جمعی، می‌تواند نجات‌بخش سینما باشد

با توجه به تحولات فناورانه و تغییر شیوه‌های مصرف فرهنگی، چرا مردم، امروز باید به سینما بروند؟ اساسا سینما در شرایط کنونی چه کاری باید انجام دهد تا بتواند همچنان جایگاه خود را حفظ کند و بقای خود را تضمین کند؟

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سینما، ایجاد خاطره و سرگرمی است. مردم برای تفریح و سرگرمی به پارک می‌روند، در فضای باز قدم می‌زنند، غذا می‌خورند، موسیقی گوش می‌دهند. سینما هم می‌تواند چنین نقشی داشته باشد. یک فضای جمعی برای تجربه لحظاتی خوش، برای رهایی موقت از فشار زندگی روزمره و دغدغه‌ها. اتفاقا همین جنبه ساده و درعین حال انسانی سینما، یعنی سرگرمی‌سازی و خاطره‌سازی جمعی، می‌تواند نجات‌بخش سینما باشد. نباید این وجه را دست‌کم گرفت. وقتی تماشای فیلم برای مخاطب تبدیل به یک تجربه زیستی خوشایند شود، همان‌جا نقطه اتصال مخاطب و سینما برقرار شده است.

سینمای کمدی نه تهدید است و نه انحراف

برخی معتقدند آثاری مانند «پیر پسر» یا «زن و بچه»، به نوعی احیاگر سینمای اجتماعی امروز هستند، سینمایی که در سال‌های اخیر زیر فشار جریان کمدی عامه‌پسند و سودمحور، دچار چرخه معیوب جذب مخاطب شده بود.

این مسئله در همه دنیا وجود دارد و کاملا طبیعی است. کنار هیچکاک‌ها و تارکوفسکی‌ها، صدها کارگردان دیگر هم بوده‌اند که نام‌شان را نشنیده‌ایم. این، ذات زمانه و گردش طبیعی فرهنگ است. اگر به شعر هم نگاه کنیم، در کنار مولانا و سعدی، هزاران شاعر دیگر زیسته‌اند و شعر گفته‌اند که ما شناختی از آن‌ها نداریم. این‌که برخی آثار جدی‌تر در سینمای اجتماعی امروز ایران ساخته می‌شوند، به هیچ‌وجه در تعارض با جریان دیگر فیلم‌های تولیدی نیست. آن‌ها نه لزوما مکمل هم هستند و نه مانع یکدیگر. وجود آثار کمدی سطحی هم بخشی از واقعیت هنر سینمایی است. این تنوع، نه تهدید است و نه انحراف؛ بلکه بخشی از زیست طبیعی هنر در جامعه است. هیچکدام از این جریان‌ها قرار نیست یکدیگر را حذف کنند.

این روزها؛ کار جدی در دست انجام ندارم

شما یکی از منتقدان پیشکسوت و شناخته‌شده سینمای ایران هستید، خیلی از مخاطبان پیگیر احوال شما هستند. می‌خواستم بدانم این روزها همچنان می‌نویسید؟ کتاب تازه‌ای در دست دارید و یا مشغول تدریس هستید؟

یک کتاب دارم که درواقع جلد دوم کتاب قبلی‌ام است و حالا در حال چاپ است، اما هنوز عنوان قطعی برایش انتخاب نکرده‌ام. جلد اول این مجموعه با عنوان «نسیه و نقد» در سال ۱۳۹۶ منتشر شد و دو نوبت چاپ خورد اما دیگر چاپ نشد. شاید نسخه‌ای از آن هنوز گوشه‌ای از کتابفروشی‌ها پیدا شود. در مورد تدریس هم از سال گذشته کمتر شده. قبلا در جاهای مختلف تدریس می‌کردم اما حالا تعداد جلسات کمتر شده. راستش این روزها خیلی کار جدی در دست انجام ندارم.

زندگی روزمره و الگوی مصرف رسانه‌ای مردم به شدت تغییر کرده است. وقتی تلویزیون به خانه‌ها آمد، تبدیل به رقیب جدی سینما شد. امروزه افراد می‌توانند شب تا صبح چندین فیلم ببینند. آن‌ها با گوشی‌های هوشمند و در فضای خصوصی اتاق خود، بدون هیچ نیازی به پدر و مادر، خواهر یا همسر، تا صبح فیلم تماشا می‌کنند. امکانی که تقریبا با هزینه‌ای نزدیک به صفر فراهم شده است

شنبه‌نویس

نیمه‌شب شرعی، قلب سینما تپید

عسل آذرپور
دبیر فرهنگ و هنر

چند دقیقه مانده به نیمه‌شب، کنار خیابان ایستاده‌ام تا تاکسی اینترنتی پیدا شود و بیاید و برم دارد و ببردم خانه. تاکسی‌های اینترنتی این روزها و شب‌ها کم پیدا می‌شوند. فرقی نمی‌کند کجای تهران باشید، آنقدر این «در جستجوی نزدیک‌ترین ماشین به شما» روی صفحه می‌ماند که چشم دوخته شده به صفحه گوشی تار شود. چاره‌ای نیست، جز تاکسی اینترنتی چند دقیقه مانده به نیمه‌شب چیز دیگری پیدا نمی‌شود. پیدا می‌شود اما نباید اعتنایی کرد. مخصوصا از وقتی که دبیر حوادث روزنامه دو صندلی آن‌سوترم می‌نشیند و هر روز داستان تازه‌ای از دزدی، آدم‌ربایی، تجاوز و قتل دارد. سال‌ها پیش پیگیری اخبار حوادث را ترک کرده بودم. جز گاهی که برخی اخبار از شدت پر سر و صدایی به گوشم می‌رسید. حالا داستان تغییر کرده، دبیر حوادث با هیجان و آب و تاب از تجاوز سریالی می‌گوید البته بعدش نوید این را هم می‌دهد که طرف دستگیر، محاکمه و چند روز پیش اعدام شده است.

همین‌طور که یک چشمم به صفحه گوشیم بود تا بالاخره نزدیک‌ترین راننده به من پیدا شود، یک چشم هم به خیابان نیمه‌تاریکی داشتم که ماشین‌ها با سرعت از آن عبور می‌کردند. بالاخره راننده پیدا شد. این فتح بزرگ نیمه‌شبی؛ حالا باید منتظر می‌ماندم راننده یک دور قمری بزند و به من برسد. دوباره مشغول ماشین‌های عبوری می‌شوم. اگر یکی از آن‌ها قاتل سریالی بعدی باشد که در نیمه‌شب به دنبال طعمه می‌گردد، چند روز بعد داستانش را در روزنامه خواهم شنید. راننده می‌رسد چند قدم جلوتر از من می‌ایستد. پلاکش را که نگاه می‌کنم آه از نهادم بلند می‌شد. پلاک شهرستان است. مدت‌هاست که اکثر رانندگان این تاکسی‌های اینترنتی که هیچ زود نمی‌رسند، پلاکشان غیرتهران است. این یکی ایران ۴۱ بود. اصلا نمی‌دانم ۴۱ پلاک کجای ایران است. دیگر نمی‌توانم سی‌دقیقه بیشتر منتظر یک راننده دیگر بایستم تا شاید یک پلاک تهران پیدا شود و بیاید و مرا ببرد. سوار پژو نقره‌ای می‌شوم و اولین کاری که می‌کنم سرچ پلاک ۴۱ است. لرستان. پسرک راننده از پشت سر کم سن و سال به نظر می‌رسد، فریم عینک بزرگ و بی‌رنگ مد روز بر چشم دارد. بلوزی طرح‌دار به تن دارد. به شانسم تن می‌دهم و سکوت می‌کنم.

پسر از میان خیابان‌هایی که نقشه برایش تعیین می‌کند، یکی در میان انتخاب‌های خودش را دارد. معلوم است تهران را می‌شناسد. احتمالا مدت‌هاست در تاکسی اینترنتی تهران ثبت‌نام کرده و مشغول کار است. از خروجی بهشتی اتوبان مدرس می‌پیچد. راه بهتر هم هست اما حوصله ندارم یادآوری کنم. به چراغ میرزای شیرازی که می‌رسیم؛ بی‌انگیزه نگاهی به سینما آزادی می‌اندازم. شاید درهایش باز باشد و چراغ‌هایش روشن اما حتما کسی مقابلش نیست. مقابل سینما چهار ردیف صف موتورسیکلت پیاده‌رو را گرفته‌اند. مردم زیادی حدفاصل آخرین ردیف موتورسیکلت‌ها و پله‌های ورودی سینما آزادی ایستاده‌اند. روی پله‌ها آدم‌ها می‌روند و می‌آیند. با خودم اما بلند می‌گویم: «اینهمه آدم مقابل سینما آزادی! چه خبره!؟» این جمله صدای راننده را هم درمی‌آورد. جوابم را می‌دهد: «مال فیلم «زن و بچه» است. فیلم سعید روستایی‌یه. تازه اکران شده. کن هم رفته بود. جایزه بهش ندادن اما فیلم مهم و خوبیه.» به جای جواب دادن به حرف‌هایش می‌گویم: «این شیشه پایین نمیاد؟»، «نه خانوم اون پایین نمیاد. به جاش این جلویی پایین میاد». مجبورم از بین دو صندلی نیمه‌تنه‌ام را جلو بکشم تا بتونم از آزادی شلوغ، سی دقیقه بعد از نیمه‌شب عکس بگیرم. آخرین تصاویری که از آزادی دیده بودم، سوت و کور و غریب افتاده بود. قبل‌ترش هم که جنگ بود و گفته بودند سینماها باز شود، درش بسته بود. کسی انگیزه باز کردن سینمایی به این بزرگی را برای امیدبخشی به مردم شهر جنگ‌زده نداشت. این آزادی نیمه‌شبی را نه فقط مقابل خود آزادی که حتی مقابل سینماهای دیگر مدت‌ها بود ندیده‌ام. شلوغی سینما آن‌هم نیمه‌شب؟!

زیرلب زمزمه می‌کنم: «شاید هم زیر سر «پیر پسر» باشه». پسرک جواب زمزمه‌ام را می‌دهد: «نه خانوم. اون خیلی وقته اکران شده، تب و تابش افتاده. دو روز اول اکرانش، قبل اینکه جنگ بشه همینجوری شده بودن سینماها. الان دیگه «زن و بچه» تازه‌تره. مردم برای اون اومدن». می‌پرسم: «پیر پسر را دیدی؟» با افتخاری که توی صدایش موج می‌زند: «همون روز اول اکران». «زن و بچه را چی؟». «نه این یکی رو هنوز وقت نکردم، اما می‌رم می‌بینم. فیلم خوب رو باید دید. ارزش پول و وقتش رو داره». به مقصد رسیده‌ام. وقت اینکه مباحث کلان‌تری مثل تاثیر سینمای اجتماعی بر آشتی مخاطب با سینما، کیفیت فیلم‌های کمدی، مسیری که سینما در سال‌های اخیر رفته یا اینکه چرا هنوز سینما رفتن را انتخاب می‌کند نمی‌رسد. اصلا حوصله‌اش را هم ندارم. چقدر از این سوالات از همه بپرسیم. از سینمادار، منتقد، کارشناس، فیلمساز، تهیه‌کننده و حتی مخاطب. مهم این است که دیشب، کمی بعد از نیمه‌شب بالاخره صف مقابل سینما دوباره دیدم. چه فرقی دارد این صف را اکتای براهنی ساخته باشد یا سعید روستایی. مهم سینماست که هنوز قلبش می‌تپد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۱۳۴۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی رضائی فرزند محمد مهدی بشماره شناسنامه ۷ صادره از شهریار کد ملی ۴۹۱۰۸۴۴۳۶۸ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۰۰/۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۸/۸ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای مصطفی رضائی مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
م الف ۱۲۴۹۲ مهدی ناصری – رئیس ثبت اسناد و املاک
۲۶۲

آگهی ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران بموجب رای صادره شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۸۰۰۰۰۲۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ مالکیت آقای میثم اصلانی بالسینی متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۰۸۰۰۰۰۰۱۰ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۹/۱۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از باقیمانده پلاک ۲۳۹۵ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران تائید نموده است لذا مفاد آراء صدرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به آراء صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافا اینکه معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید، در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می باشد و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۶۷ م الف رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر آرا تهران – کمال شاکری
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۱

مراجعه به روانشناسان طی دوران پس از جنگ افزایش داشته است

جنگ و تاب آوری روانی جامعه ایرانی

زنان در اثر ابتلا به اضطراب بیش از مردان به روان درمانگر مراجعه کرده‌اند

مینا هرمزی
هفت صبح

«دیگه حاضر نیستم باهات زیر یک سقف زندگی کنم... بی‌خود اصرار نکن». اینها را زن میانسالی می‌گوید که برای طلاق به دادگاه آمده اما مرد حاضر نیست طلاق را بپذیرد. در حالی که سعی می‌کند صدایش بالا نرود تا بیش از این جلب توجه نکند رو به همسرش می‌کند و می‌گوید: «آخر مگه من چه کار کرده‌ام؟ گفتید به خاطر جنگ برویم خونه داداشم که سمنانه... منم گفتم چشم. دیگه چی کار باید می‌کردم؟». زن اما انگار تازه داغ دلش تازه شده باشد به تندی خطاب به مرد جواب می‌دهد: «آره؛ اومدی اما با رفتار گندت کاری کردی که آبروم جلوی فامیل که اونجا جمع بودن بره... تازه بعد از ۷ سال زندگی، شناختمت. دیگه نمی‌خوام ادامه بدم. والسلام». مرد دوباره دهن باز می‌کند تا جوابی به همسرش بدهد که منشی دادگاه صدای‌شان می‌کند و صدای‌شان همزمان با ورود به دادگاه محو می‌شود. این تنها یکی از صحنه‌هایی است که به گفته کارکنان و قضات دادگاه‌های خانواده، این روزها به وفور دیده می‌شود؛ درخواست طلاق یا مشاوره‌های قضایی بعد از جنگ. گرچه تبعات روحی و روانی جنگ به همین‌جا ختم نمی‌شود. استرس و ترس و هول و ولای ناشی از جنگ در همان ۱۲ روز آنچنان مشهود است که باعث شده تا مطب روانشناسان و روانپزشکان در دو هفته بعد از جنگ، به شکل کم‌سابقه‌ای شلوغ شود طوری که «حسین روزبهانی» عضو انجمن روان‌شناسی ایران در خبری اعلام کرده که میزان مراجعه مردم به روانشناسان ۴۰درصد افزایش داشته؛ خبری که انعکاس زیادی در رسانه‌ها و فضای مجازی داشت.

اما این آمار تا چه حد موثق است و اینکه بیشترین مشکلات روحی و روانی که شهروندان در دوران پساجنگ به خاطر آنها به روانپزشک و روانشناسان مراجعه کرده‌اند، چه بوده؟ روزبهانی در گفت‌وگو با «هفت صبح» در مورد منبع آماری که اعلام کرده، می‌گوید: فکر کنم در این میان یک اشتباه رسانه‌ای رخ داده؛ یعنی من در مصاحبه‌ای که داشتم گفته بودم که طبق آنچه در مطب و بیمارستان می‌بینم و همکاران روانشناسم اعلام می‌کنند، آمار بیماران روانی در ایام پس از جنگ ۴۰درصد افزایش داشته. ولی در متن منتشر شده از قول من آمده بود که آمار کل کشور ۴۰درصد افزایش داشته است! گرچه در کل، نمی‌توانیم منکر اثرات سوء و منفی جنگ در جامعه باشیم.

البته کشور ایران با تاب‌آوری بالایی که دارد تا این حد بوده و در کشورهای دیگر که درگیر جنگ هستند اعداد بسیار بالاتر خواهد بود، زیرا دیگر کشورها، تاب‌آوریشان پایین‌تر از ایران است.

۷

طبق آنچه در مطب و بیمارستان می‌بینم و همکاران روانشناسم اعلام می‌کنند، آمار بیماران روانی در ایام پس از جنگ ۴۰درصد افزایش داشته. ولی از قول من آمده که آمار کل کشور ۴۰درصد افزایش داشته است

بیشترین دلیل مراجعات

ولی بیشترین دلیل مراجعه بیمارانی که به خاطر تاثیرات جنگ به روانشناسان مراجعه می‌کنند، چیست؟ روزبهانی در پاسخ می‌گوید: یکی از بیشترین آثار مخرب جنگ اخیر، تاثیرات آن روی روابط درون‌خانواده بوده. مثلا برخی از مراجعین از افزایش مشاجرات، کاهش تحمل روانی و آغاز روند فروپاشی روابط عاطفی و فیزیکی سخن می‌گویند. البته این طبیعی است زیرا در فشار جنگ، مغز انسان دچار افت می‌شود و تصمیمات اشتباهی و هیجانی می‌گیرد.

به گفته وی، یکی دیگر از مراجعین پرتکرار این دوره، افرادی هستند که قبلا روابط‌شان به مشکل برخورده بوده ولی درمان شده یا علائم‌شان کنترل شده بود اما همین هموطنان بعد از جنگ، مجدداً برای درمان و کمک گرفتن برگشته بودند، زیرا در دوران جنگ با چالش مواجه شدند.

این روانشناس همچنین از سفرهای دوهفته‌ای گروهی از شهروندان به خارج از شهرها به عنوان یکی دیگر از عوامل مراجعه آنها به روانشناسان یاد می‌کند؛ افرادی که در زندگی مشکل نداشتند اما زندگی کردن دوهفته‌ای در یک مکان با اقوام باعث چالش برای آنها شده بود.

نکته

در شرایط جنگی آسیب‌های جدی روانی وارد می‌شود که قابل جبران نیست. مشکلات روانی که در فرد وجود دارد، یک ماشه‌چکان لازم دارد؛ عاملی که می‌تواند رویداد جنگ، مرگ عزیزان، از دست دادن جایگاه اجتماعی یا ورشکستگی باشد

در کنار این موارد، مراجعان به پزشکان روانشناس مشکلات دیگری هم دارند که در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. روزبهانی در این خصوص هم می‌گوید: در بین مراجعینی که داریم، برخی از بیماران برای نخستین بار با حملات اضطرابی شدید، بی‌خوابی یا تحریک‌پذیری افراطی مواجه شده بودند و برخی حتی وارد مرحله اختلال اضطرابی کامل شده‌اند. مواردی هم بوده که افراد به اختلال استرس پس از سانحه یا PTSD مبتلا شده‌اند، به ویژه آنهایی که از نزدیک در معرض حملات یا انفجارها قرار داشته‌اند.

زخم‌هایی که دوباره سر باز می‌کنند

در شرایط جنگی آسیب‌های جدی روانی وارد می‌شود که قابل جبران نیست. مشکلات روانی که در فرد وجود دارد یک ماشه‌چکان لازم دارد؛ عاملی که می‌تواند رویداد جنگ، مرگ عزیزان، از دست دادن جایگاه اجتماعی یا ورشکستگی باشد. به گفته روانشناسان، انسان‌هایی هستند که نسبت به بقیه مستعد برای ابتلا به یکسری اختلالات هستند مثلا افسردگی، دوقطبی و... که همین‌ها می‌تواند بهانه‌هایی شود برای مراجعه به پزشکان.

روزبهانی می‌گوید: در بین مراجعینی که بعد از جنگ داریم، افرادی هستند که می‌خواستند از هم جدا شوند در حالی که اگر این افراد به مراکز روانشناسی مراجعه کنند، با کمک پزشکان می‌توان تنش و هیجان آنها کاهش پیدا کند تا تصمیم منطقی‌تر بگیرند و حتی زندگی‌شان را حفظ کنند. برخی از مشکلات ناشی از جنگ قابل جبران و برخی هم جبران‌پذیر نیست.

وقتی که تاب‌آوری کاهش پیدا می‌کند

جنگ در هر کشوری بر تاب‌آوری افراد جامعه تاثیر دارد. به گفته روانشناسان، این یک واقعیت است که در حال حاضر تاب‌آوری جامعه نسبت به قبل از جنگ، کاهش پیدا کرده است. به گفته آنها مردم باید مراقب باشند که اولاً چه خبرهایی را دریافت می‌کنند و ثانیاً خبرها را از چه منبعی دریافت می‌کنند. در این بین برخی از روانشناسان از بیمارانی می‌گویند که از یک شبکه خبری خارجی، اطلاعات و اخباری را گرفته‌اند که باعث به‌هم ریختن روان آنها شده و تاب‌آوری‌شان را کاهش داده؛ عاملی که می‌تواند باعث افزایش تنش در جامعه شود.

اضطراب در زنان بیشتر به چشم می‌خورد

سوال بعدی که شاید بتوان مطرح کرد، اینکه بیشترین مراجعان به روانشناسان را زنان تشکیل می‌دهند یا مردان؟ این عضو انجمن روانشناسی ایران در این مورد نیز می‌گوید: در دوران جنگ و در مشکلات روابط خانوادگی، آمار زنان و مردان مراجعه‌کننده فرق چندانی نداشت یعنی ۵۰درصد زنان و ۵۰درصد مردان بودند. اما در حال حاضر با توجه به اینکه بخش مهمی از مراجعان به خاطر مواردی مانند مشکلات ناشی از «اضطراب» هستند، آمار مراجعه زنان بیشتر است. البته در دنیا هم آمار مراجعه زنان در حوزه اضطراب بیشتر از مردان است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، در کل جهان از هر ۸ نفر یک نفر اختلالات روانی دارد. بنابراین این موضوع باید برای مسئولین حائز اهمیت باشد.

لزوم حفظ آرامش در جامعه

آیا می‌توانیم بگوییم مشاهدات جامعه ایرانی پس از جنگ این را نشان می‌دهد که جامعه ایران دچار اختلال اضطراب جنگ شده؟ روزبهانی در پاسخ به این سوال نیز معتقد است که به این بهانه نمی‌توان همه جامعه را دچار مشکلات روانی یا مسائل ناشی از اضطراب دانست.

وی می‌گوید: اگر بخواهیم بگوییم همه افراد جامعه دچار اضطراب پس از جنگ شده‌اند، خیر این‌گونه نیست. بسیاری از شهروندان ایرانی هم هستند که هیچ مشکلی نداشته و ندارند اما افرادی که مستعد اضطراب بودند یا افرادی که نزدیک به محله حادثه بودند، نیاز دارند که پیگیری و درمان شوند.

اما برای کاهش این عوامل روانی ناشی از بروز جنگ‌ها چه باید کرد؟ به گفته روزبهانی، حفظ آرامش جامعه به عوامل مختلفی وابسته است. مثلا کارشناسان باید به رسانه‌ها بیایند و از روش‌ها و کارهایی که برای آرامش و کاهش اضطراب است، صحبت کنند و راه‌حل ارائه دهند. دولتمردان باید سرمایه‌گذاری کنند تا افرادی که نیاز به کمک بیشتری دارند، به صورت رایگان یا با هزینه کم به متخصصان مراجعه کنند تا مشکل‌شان حل شود. مردم هم باید از منابع موثق اخبار دریافت کنند یا اگر ظرفیت دریافت اخبار جنگ را ندارند این اخبار را دنبال نکنند. خانواده‌ها باید بیشتر کنار هم باشند و همدلی کنند و با هم صحبت کنند تا آرامش بیشتری داشته باشند.

نکته

برخی از روانشناسان از بیمارانی می‌گویند که از یک شبکه خبری خارجی، اطلاعات و اخباری را گرفته‌اند که باعث به‌هم ریختن روان آنها شده و تاب‌آوری‌شان را کاهش داده؛ عاملی که می‌تواند باعث افزایش تنش در جامعه شود

حوادث

روایت گفته نشده از قتل مربی بدنسازی

سروش را مقابل خانه شاگردش کشتند

رفیق گرمابه و گلستان سروش ستوده در گفت‌وگو با هفت صبح زوایای گفته نشده از زندگی و قتل را شرح داد

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

حدود سه هفته از قتل سروش ستوده مربی بدنسازی که در جریان درگیری با سارقان گوشی قاپ کشته شد می‌گذرد و کارآگاهان پلیس آگاهی تهران همچنان در تلاش برای شناسایی عامل این جنایت هولناک هستند.

سروش ستوده اولین کسی نبود که قربانی گوشی قاپی شد. پیش از او قتل یک جوان در پارک نهج‌البلاغه و همچنین قتل امیرمحمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران در کوی دانشگاه در جریان حمله گوشی قاپان سر و صدای زیادی در میان اخبار حوادثی به پا کرده بود. هر چند قانونی در برابر مجازات این جنایتکاران کوتاه نیامد اما تکرار این سناریوی خشن و غم‌انگیز زنهاری است برای اینکه برخورد قاطعانه‌تری با گوشی قاپان چاقو به دست صورت گیرد. چرا که هر کدام از این سارقان که سوار بر یک موتورسیکلت در شهر پرسه می‌زنند انگیزه مخفی برای ضربه وارد کردن به افرادی را دارند که در برابر آنها از خودشان مقاومت نشان می‌دهند و در این میان این ضربات ممکن است بارها و بارها به قتل منجر شود. در ادامه این گزارش جزئیاتی تازه از قتل سروش ستوده را می‌خوانید.

سروش ستوده حرفه‌ای بود

مروین بدوییان نام دوست صمیمی سروش است. او در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار هفت صبح در مورد سروش ستوده گفت: «من و سروش با هم دوست و همکار بودیم. سروش را از زمان دانشگاه می‌شناختم. ما هر دویمان

دانشجوی رشته تربیت بدنی بودیم ولی رفاقت ما از زمانی که با هم همکار شدیم خیلی عمیق شد و سروش از نزدیکترین رفقای من شد.» مروین در مورد کار مربی‌گری سروش می‌گوید: «سروش در یکی از بهترین باشگاه‌های تهران مربی‌گری می‌کرد که این باشگاه فقط با مربیانی همکاری می‌کند که تحصیلات کافی برای کار کردن در این سطح داشته باشند. سروش در کارش خیلی حرفه‌ای بود و در رزومه‌اش مدارک بین‌المللی معتبر داشت.»

زندگی سروش ستوده

مروین در مورد زندگی خصوصی سروش می‌گوید: «سروش ۲۹ سال داشت. در واقع ۲۵ تیرماه تولدش بود که دو هفته قبل از آن به قتل رسید. او سه سال قبل پدرش را از دست داده بود و در یک خانه استیجاری با مادرش زندگی می‌کرد. او بخشی از هزینه زندگی را تامین می‌کرد و برای کار و زندگی‌اش خیلی زحمت می‌کشید. او یک آیفون ۱۶ خریده بود تا بتواند برای کارش تولید محتوا کند. این روزها در کار مربی‌گری باید مثل خیلی دیگر از مشاغل برای فضای مجازی هم تولید محتوا کنیم. حالا خیلی‌ها می‌گویند سروش که پولدار بود چرا از خیر گوشی نگذشت؟ اما حقیقت این است که داشتن این گوشی دلیل بر مرفه بودن نیست، در واقع ابزار کار یک مربی است.»

سروش گوشی را پس گرفت

مروین درباره روز قتل می‌گوید: «ظهر روز حادثه برای آخرین بار با سروش حرف زدم. او از ساعت شش صبح در باشگاه شاگرد داشت اما بعد از ساعت کار باشگاه هم چند شاگرد خصوصی داشت که در خانه خودشان به آنها تمرین می‌داد. شب حادثه مقابل خانه یکی از شاگردانش در نزدیکی در که روی موتورش نشسته بود و منتظر بود شاگردش به پارکینگ بیاید و در را باز کند. در دوربین‌های مدار بسته مشخص است که دو موتورسوار به سروش نزدیک شده و گوشی‌اش را زدند اما سروش سمت آنها رفت و موقع فرار آنها را گرفت و توانست گوشی‌اش را پس بگیرد. برای همین سارقان با سروش درگیر شدند و در همین حین با چاقو به او دو ضربه وارد کردند. یکی به شانه سروش و یکی به گردنش که باعث مرگش شد.»

مروین در آخر می‌گوید: «قبلا دو بار گوشی سروش را زده بودند. وقتی این بار طعمه سارقان شد با آنها درگیر شد اما هنوز عاملان قتل شناسایی نشده‌اند.»

دستگیری عاملان ربایش و تجاوز به دو دختر ۱۶ ساله در میدان بهارستان

پرسه زنی سیاه دو جوان ۱۹ ساله

دو متهم جوان بعد از آدم‌ربایی و اقدام سیاه اتهامات خود را در حالی انکار کردند که ادله و مدارک علیه آنها در پرونده به ثبت رسید

اوایل امسال بود که خانواده دو دختر ۱۶ ساله به نام‌های نگین و پریسا با مراجعه به پلیس آگاهی تهران از دو جوان ناشناس به اتهام ربودن دخترها و تجاوز به آنها شکایت کردند.

به این ترتیب با ارجاع پرونده به مرجع قضایی رسیدگی به موضوع در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران آغاز شد و با دستور قضایی نگین و پریسا برای انجام معاینات و آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی معرفی شدند.

هم‌زمان کارآگاهان پلیس آگاهی تهران اقدامات لازم را برای شناسایی و دستگیری دو جوان ناشناس انجام دادند.

ماجرا چه بود؟

یکی از دو دختر ۱۶ ساله به نام نگین در ثبت شکایت خود ماجرای روز حادثه را اینطور روایت کرد: «من و پریسا دوستان صمیمی هستیم و به خاطر شناختی که خانواده‌هایمان روی همدیگر دارند به بیرون رفتن دو نفره ما اعتماد دارند. خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که برای رفتن به کلاس یا خرید همراه همدیگر به خیابان می‌رویم.»

نگین ادامه داد: «روز حادثه هم من و پریسا در مسیر کلاس به خانه در حال عبور از میدان بهارستان بودیم که تصمیم گرفتیم ماشین بگیریم. کنار خیابان ایستادیم و سوار خودرویی شدیم که دو پسر جوان جلو نشسته بودند. به محض اینکه ما سوار ماشین شدیم راننده درها را قفل کرد و با تهدید سلاح سرد به ما گفت سر جایمان بنشینیم و صدایمان در نیاید. آن دو پسر ما را به محل خلوتی در حاشیه شهر برده و به ما تجاوز کردند.»

پزشکی قانونی با آثار به ما جامانده روی بدن و لباس این دو دختر ادعایشان را تائید کرد.

دستگیری متهمان

کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات لازم موفق به شناسایی و دستگیری متهمان شدند. دو متهم ۱۹ ساله در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت تحقیقات قرار گرفتند اما اتهامات وارد شده را انکار کردند. آنها ادعا کردند روز حادثه با دو دختر جوان در شهر دور زده و بعد آنها را پیاده کردند.

اما بنا بر ادله و مستندات موجود در پرونده اتهام آدم‌ربایی، تجاوز و معاونت در تجاوز برای هر دوی آنها صادر شد.

رسیدگی به این اتهامات در جریان روال قضایی انجام خواهد شد.

مقصر جدید کمبود آب در ایران مشخص شد!

انگشت دوباره اتهام به ابردزدی

حمیدرضا خالدی
هفت صبح

در گرمای طاقت‌فرسایی که باعث شده تا برخی از شهرهای ایران جزو داغ‌ترین شهرهای جهان باشند، کمبود آب یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کشور شده؛ موضوعی که می‌توان آن را از محتوای سخنان رئیس‌جمهور نیز به خوبی درک کرد، آنچه که گفت: «بحران آب از آنچه امروز درباره آن صحبت می‌شود، جدی‌تر است». موضوعی که آن‌قدر جدی است که از همین الان زمزمه‌های درگوشی قطعی و جیره‌بندی آب را باعث شده است. چنین شرایطی باعث شده تا افکار عمومی به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای سوالات خود باشد؛ سوالاتی مثل اینکه چرا ابرها با آسمان ایران قهر کرده‌اند؟ آن هم در شرایطی که در برخی از کشورهای همسایه، وفور ابرهای پربرکت بیداد می‌کند؛ موضوعی که باعث شده تا بار دیگر موضوع «ابر دزدی» یکی از متهمان اصلی از نگاه مردم باشد.

ابر دزدی، پرونده‌ای دو ساله

ماجرای ابردزدی کلیدواژه‌ای بود که تاریخچه آن از زمان احمدی‌نژاد آغاز شد و وی مدعی بود که دشمنان ما ابرهای در حال ورود به ایران را از مسیر خارج می‌کنند. آن روزگار بسیاری از متخصصان بر احمدی‌نژاد تاختند و این موضوع را غیرممکن دانستند. اما این موضوع یکبار دیگر دو سال پیش مطرح شد، زمانی که در سال ۱۴۰۲، عکسی در فضای مجازی منتشر شد که سبب ساز تولد یک ایده باشد. ابر دزدی در مرز ایران و ترکیه همان ایده‌ای شد که طی چند روز به یکی از داغ‌ترین بحث‌های رسانه‌ای و محافل عمومی بدل شد؛ عکسی که نشان می‌دهد انگار برف تصمیم گرفته در ترکیه ببارد اما نیم نگاهی هم به ایران نداشته باشد. همان‌طور که از این تصویر پیدا بود، درست مرز ایران و ترکیه محل تفاوت بارش‌هاست و شاید با دیدن تفاوت در این عکس، هر ذهنی به ایده رایش ابر یا وجود موانع غیرطبیعی برای بارش در ایران نزدیک شود.

بعد از آن بود که به رسم این رخدادها، فضای مجازی و رسانه‌ها پر شد از اظهارنظرهای ضدونقیض کارشناسان. «کاوه مدنی» کارشناس محیط‌زیست و معاون سابق سازمان محیط‌زیست در ایران، یکی از همین افراد بود که آن زمان در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر) یک تصویر از مناطق شمالی ایران منتشر کرد. مدنی نوشت: «با همان منطقی که در چند هفته اخیر برای تقویت شایعه منصرف کردن ابرها از ورود به ایران استفاده شده، می‌توان ادعا کرد که مردم گیلان، مازندران و گلستان هم با دست‌کاری آب و هوا از مردم تهران، ابردزدی می‌کنند».

چند روز بعد نیز کاوه مدنی عکس دیگری را در حساب کاربری خودش در شبکه ایکس به اشتراک گذاشت و درباره آن نوشت: «در هر دو سوی مرز ایران با ترکیه، ابر وجود دارد و کشور همسایه نتوانسته است با هیچ حربه‌ای ابرها را از ایران بدزدد. پس باید پرسید، چرا تصاویر دست به دست شده در فضای مجازی، این ابرها را نشان نمی‌دهند؟ جواب خیلی سخت نیست. آن تصاویر مربوط به یک لحظه یا یک بازه زمانی خاص هستند و برای القای یک روایت انتخابی غیرعلمی دست‌چین شده».

معضلاتی که هم رد می‌شوند و هم تایید

در طول دو سال گذشته بارها این مسئله رد یا تایید شده است. به عنوان مثال در یکی از آخرین اظهارنظرها در این زمینه «محمدرضا کاویانپور» رئیس موسسه تحقیقات آب گفت: «اگر بخواهیم پدیده ابردزدی را کتمان کنیم، حرف درستی نیست. اینکه همه کشورها با توجه به کمبود منابع آبی در این حوزه ورود کرده و تلاش می‌کنند از این ظرفیت برای حل مشکل آبی استفاده کنند نیز قابل کتمان نیست. همچنین اینکه این ماجرا می‌تواند تبدیل به جنگ شود را نیز کسی نمی‌تواند کتمان کند، زیرا ما تحت تحریم هستیم و دیگران هر آنچه از دستشان برآید، علیه کشور ما انجام می‌دهند، بنابراین باید آگاه و هوشمند باشیم و در این رابطه تامل کنیم». او افزود: «ممکن است این اقدام (پدیده ابردزدی) در مقیاس آزمایشگاهی جواب داده باشد اما در مقیاس واقعی نیاز به تحقیق دارد. ولی نه کسی می‌تواند این موضوع را تکذیب و نه کسی می‌تواند تایید کند. این مسئله باید همواره در ذهنمان باشد اما در عین حال حتما فعالیت‌های خودمان را براساس توسعه بارورسازی ابرها و استفاده از هر ظرفیتی برای تامین نیاز آبی کشور انجام خواهیم داد».

با این حال «صادق ضیاییان» رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای سازمان هواشناسی کشور همچنان مدعی است که ابردزدی از لحاظ علمی اثبات نشده است! وی در این زمینه گفته: «آنها شاید دلایلی دارند اما برای ما این دلایل مسجل نشده است. شاید مستنداتی دارند که ما به آنها دسترسی نداریم. در تمام کشورهای همسایه، روند بارشی منطقه نزولی است و هیچ‌کدام از کشورهای همسایه روند بارشی رو به افزایش ندارند. از نظر علمی اصطلاح ابردزدی نداریم بلکه اصطلاح باروری ابرها را داریم که علمی است. مثلا ابرهای کشوری را برای افزایش بارش بارور می‌کنند که با اما و اگر روبه‌رو است یعنی هزار اما و اگر وجود دارد تا در نهایت بین ۱۰ تا ۲۰درصد در بهترین شرایط ممکن برای یک رویداد، آن هم نه در طول سال، افزایش بارش داشته باشند».

وقتی آقای گل جهان با ساعت بوگاتی شیرون رکورد لوکس بودن را می‌شکند

مچ دست رونالدو ۱/۳ میلیون یورویی شد

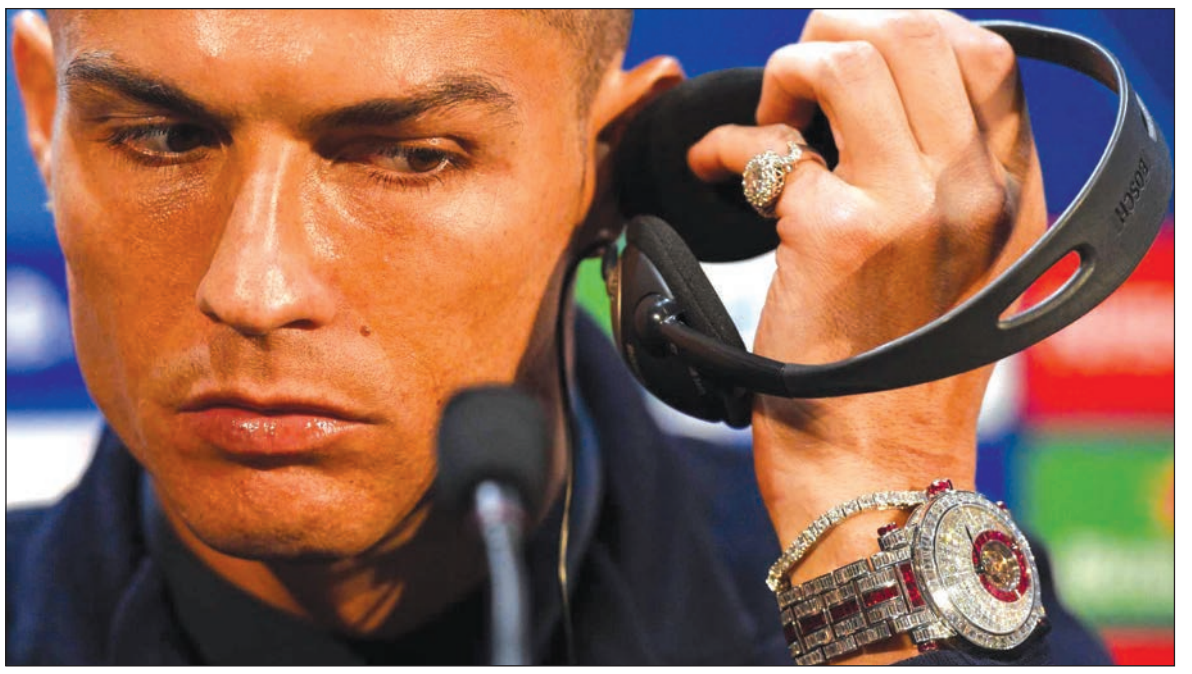

کریستیانو رونالدو، فوق ستاره فوتبال جهان، ساعت لوکس و گران‌قیمتی خریداری کرده که به مجموعه باشکوه ساعت‌هایش افزوده شده است. به گزارش هفت‌صبح، رونالدو علاقه زیادی به ساعت‌های فاخر دارد و پیش‌تر نیز با مجموعه‌ای متنوع از طراحی‌های خاص برند «Jacob & Co» دیده شده بود. از جمله مدل‌هایی که به طور اختصاصی برای او طراحی شده‌اند می‌توان به Epic X Flight of CR۷ و Epic X Heart of CR۷ اشاره کرد.

امید ذاکری نیا
دبیر ورزش

ساعت جدید و خیره‌کننده

در ویدیویی که به‌طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده، رونالدو با ساعتی بسیار خاص از برند «Jacob & Co» دیده می‌شود که مدل آن بوگاتی شیرون توربیون (Bugatti Chiron Tourbillon) است. ارزش این ساعت حدود ۱.۳ میلیون یورو تخمین زده شده است. این ساعت با الهام از خودروی فوق‌لوکس بوگاتی شیرون طراحی شده و دارای طراحی نوآورانه‌ای است که آن را بسیار خاص و منحصربه‌فرد می‌کند. جالب آن که قیمت این ساعت تقریباً معادل نیمی از قیمت خودروی اصلی بوگاتی شیرون است که حدود ۲.۴ میلیون یورو قیمت دارد.

برخی از ساعت‌های کلکسیون رونالدو

- **رولکس دیتونا «رینبو» طلای زرد با صفحه مروارید ۴۰ میلی‌متری**

رونالدو در آخرین حضور عمومی‌اش ساعت رولکس دیتونا طلای زرد خود را با قاب رنگین‌کمانی و صفحه مشکی مادر مروارید به نمایش گذاشت. این ساعت دارای ۵۶ الماس در قاب و ۳۶ یاقوت کبود دست‌ساز به رنگ‌های زنده روی قاب است.

- **فرانک مولر سینتره توربیلون طلای سفید**

این ساعت با الماس‌های باگت‌برش به شکل خاص در قاب خود، یکی از نادرترین ساعت‌های مجموعه رونالدو است. قیمت آن حدود ۱.۵ میلیون دلار تخمین زده شده و به طور مرتب روی مچ دست رونالدو دیده می‌شود.

- **هوبلو اسپیریت آو بیگ بنگ کینگ گلد رینبو ۳۹ میلی‌متری**

در اواخر سال ۲۰۲۳، رونالدو در مسابقه بوکس «روز محاکمه» در ریاض این ساعت لوکس ۹۳ هزار دلاری را به همراه ۱۶۴ نگین رنگارنگ روی قاب و ۵۸ نگین باگت روی صفحه به دست داشت.

- **رولکس GMT Master II طلای زرد با الماس، یاقوت و سافایر ۴۰ میلی‌متری**

یکی از ساعت‌های چشمگیر رونالدو با ترکیب رنگی آیکونیک و ۱۲۰ هزار دلار قیمت که علاوه بر قاب، قسمت‌های مختلف آن با الماس تزیین شده است.

- **جاکوب اند کو. توبین توربو فیوریس باگت طلای سفید**

این ساعت خاص ۵۷ میلی‌متری که تنها ۱۸ عدد از آن در جهان وجود دارد، دارای ۳۴۴ الماس باگت روی قاب و طراحی پیچیده با توربیلون دو محوره و کرونوگراف است.

- **هوبلو بیگ بنگ اینتگریتد توربیلون سافایر رینبو ۴۳ میلی‌متری**

رونالدو در تابستان ۲۰۲۳ این ساعت را با قیمت حدود ۹۶۰ هزار دلار به همراه بند سافایری و قاب رنگین‌کمانی به دست داشت.

- **جاکوب اند کو. کاویار توربیلون تسار وریتس طلای سفید**

این ساعت ۷۸۰ هزار دلاری با بیش از ۱۳۰ نگین سبز باگت‌برش، در معرفی رسمی رونالدو با باشگاه النصر پوشیده شد.

- **جاکوب اند کو. اپیک ایکس فلایت آو CR۷ طلای رز گلد با الماس**

محدود به ۱۰۰ عدد، این ساعت که تصویر رونالدو هنگام گلزنی سر به توپ را نشان می‌دهد، به عنوان یادبود جام جهانی ۲۰۲۲ قطر ساخته شده است.

- **جاکوب اند کو. بوگاتی شیرون توربیلون نسخه CR۷**

ساعت اختصاصی الهام گرفته از موتور خودروی بوگاتی شیرون رونالدو با بدنه تیتانیومی، ۲۳۲ الماس و ۱۰۹ یاقوت کبود سیاه.

- **تگ هویر کاررا کرنوگراف توربیلون تیتانیوم با الماس**

این مدل کمیاب با بند تمساح مشکی، ترکیبی از سبک ورزشی و لوکس با موتور توربیلون و کرنوگراف است.

- **گیرارد-پرگو پلنتاریوم تری‌اکسیال توربیلون رز گلد با الماس**

یک ساعت بسیار لوکس با طرح دستی زمین و توربیلون سه‌محوره که نشانگر جهانی بودن رونالدو است.

- **برگه کلاسیک «گراند کمپلیکیشن» توربیلون دوگانه پلاتینیوم با الماس**

ساعت عظیم ۵۰ میلی‌متری با ۱۰۷ الماس باگت و دو توربیلون که هر ۱۲ ساعت یک بار می‌چرخند.

- **جاکوب اند کو. H۲۴ نمایش چهار منطقه زمانی با الماس**

ساعتی زیبا که چهار منطقه زمانی مختلف را به راحتی نمایش می‌دهد.

- **هوبلو «مستر پیسی» MP-۰۹ توربیلون دو محوره کینگ گلد**

ساعت ۴۹ میلی‌متری با قاب رز گلد ۱۸ عیار و موتور اتوماتیک با ۵ روز ذخیره انرژی.

- **رولکس GMT Master II «آیس» طلای سفید با الماس کارخانه‌ای**

یکی از گران‌ترین رولکس‌های جهان با بیش از ۳۰ قیراط الماس و طراحی موج‌دار در صفحه.

- **بولگاری اکتو L'Originale توربیلون طلای سفید با الماس**

ساعتی بسیار نازک و جواهرنشان با ۴۵۱ الماس باگت روی قاب و بند.

- **فرانک مولر توربیلون باگت الماس طلای سفید**

مدل معروف با تکنیک «سرتی میستریو» که الماس‌ها بدون قاب قابل مشاهده روی ساعت نصب شده‌اند.

- **فرانک مولر وانگارد کرونوگراف طلای سفید با الماس**

یکی از ساعت‌های مورد علاقه رونالدو با الماس‌های درخشان در قاب و صفحه.

دعوای پرسپولیس و بیرانوند معمایی که پایان ندارد

حل پرونده جنجالی فوتبال ایران با مصالحه میلیاردی

محمدرضا زنوزی، مالک باشگاه تراکتور، می‌گوید با آنکه به یقین رسیده حق با دروازه‌بان این تیم است اما سعی دارد با پرسپولیس مصالحه کند. به گزارش هفت‌صبح، مالک باشگاه تراکتور همانطور که خودش در برنامه «ورزش و مردم» جمعه صبح اعلام کرد، قبل از هرچیز یک تاجر است و این حرفه را بهتر از هر چیز دیگری بلد است. از این رو می‌توان حرف‌های روز گذشته او را نیز در راستای همین روحیه بیزنسی‌اش تحلیل کرد. زنوزی در آخرین اظهارنظرش درباره این پرونده عجیب و شگفت‌انگیز گفت: «فکر می‌کنم به زودی رای این پرونده صادر می‌شود. شاید هم با یکدیگر تعامل کنند. اما اطلاعات من دقیق است و رای حتماً قبل از شروع لیگ صادر خواهد شد.»

البته که این خودش یک وعده زمانی است و آنطور که گفته شده، لیگ‌برتر امسال اواخر مرداد آغاز می‌شود و این بدان معناست که اعلام رای پرونده بیرانوند حداقل می‌تواند یک‌ماه دیگر زمان ببرد. درواقع شاید این حرف رئیس فدراسیون زمان کافی را به پرسپولیس، تراکتور و بیرانوند بدهد تا بتوانند این مسئله را در پشت‌پرده حل کرده و کار به اعلام رای نکشد.

اما حرف‌های زنوزی در این ارتباط جالب توجه است. او ابتدا با همان روحیه تجارتی‌اش بنیان اتفاقات را تغییر داده و می‌گوید: «به این نتیجه رسیدم که صددرصد حق با بیرانوند است.» هرچند او در بخش دیگری با ادامه حرف‌های مهدی تاج می‌گوید عدم اعلام رای پرونده بیرانوند به خاطر نبود وحدت رای بین اعضای کمیته قضایی فدراسیون است. اما در بخش دیگری از صحبت‌ها زنوزی به سمتی می‌رود که حرف‌های قبلی او را تا حدی زیر سوال می‌برد؛ اگر حق با بیرانوند است پس چرا باشگاه تراکتور قصد دارد مصالحه کند؟ پاسخ او به این سوال اینگونه است:

«به خاطر شرایط کشور باید تنش‌زدایی کنیم. نه بگوییم حق با بیرانوند است و نه حق با پرسپولیس بوده است. به صراحت می‌گوییم حق با بیرانوند است اما می‌خواهیم نظر پرسپولیس را جلب کنیم.»

این تناقض بزرگ که در حرف‌های مالک تراکتور است، کمی عجیب به نظر می‌رسد. او می‌گوید به یقین رسیده که حق با بیرانوند است اما قصد دارد رضایت پرسپولیس را جلب کند. اگر پرسپولیس حقی در این پرونده ندارد، چرا باید رضایتش جلب شود؟

نکته اینجاست که طی روزهای گذشته حرف‌هایی درباره اقدام پرسپولیس برای جذب بازیکنی از تراکتور در ازای حل مسئله این پرونده مطرح شد که زنوزی این موضوع را هم رد می‌کند: «با بازیکنان ما تماس گرفتند، نه ترابی و نه دیگران دوست ندارند به تهران بروند. هیچ‌کدام دوست ندارند از تراکتور جدا شوند.»

با این وجود اخباری طی روزهای اخیر منتشر شده که حکایت از یک توافق ۱۰۰ میلیارد تومانی بین دو باشگاه دارد؛ یعنی باشگاه پرسپولیس در ازای رها کردن شکایتش از بیرانوند این مبلغ را از باشگاه تراکتور بگیرد. اگر این اتفاق بیفتد کمی عجیب است که یک تاجر قدیمی و موفق حاضر باشد در ازای نبود هیچ حقی ۱۰۰ میلیارد تومان بپردازد.

نکته جالب پرونده بیرانوند و پرسپولیس این است که هرچه می‌گذرد به جای نزدیک شدن به حل و فصل آن، گره‌ها کورتر و ابهامات تازه‌تری به آن افزوده می‌شود؛ شاید بتوان گفت این پرونده امروز آنقدر گنگ و پیچیده است که بتوان آن‌را جنجالی‌ترین پرونده انضباطی فوتبال ایران در سال‌های اخیر دانست.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

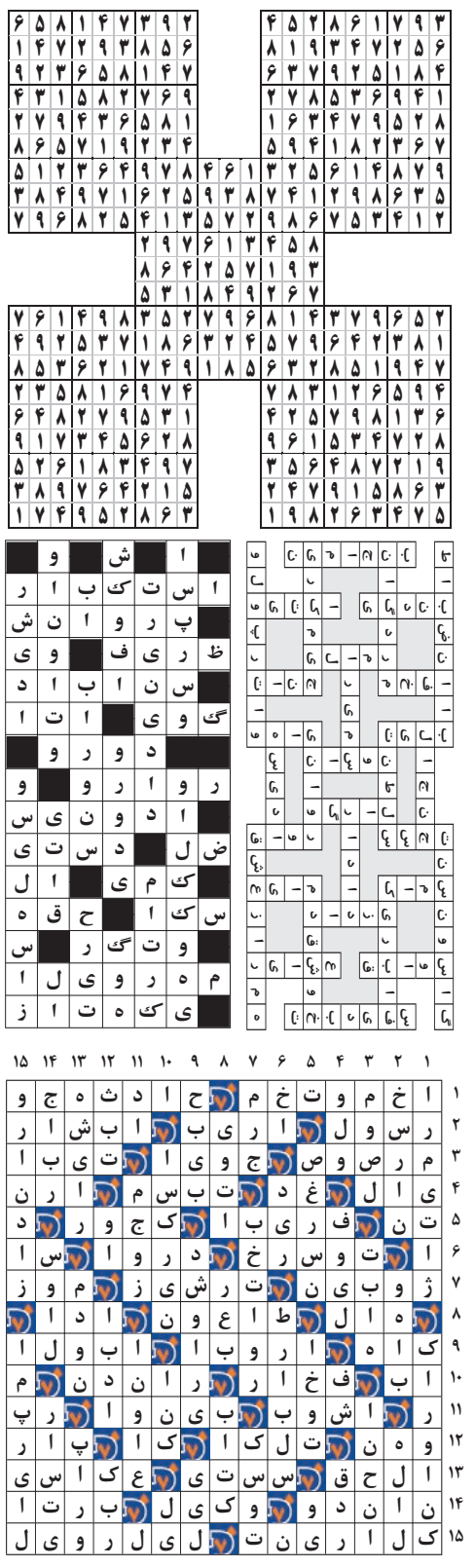

لغت‌پایی

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

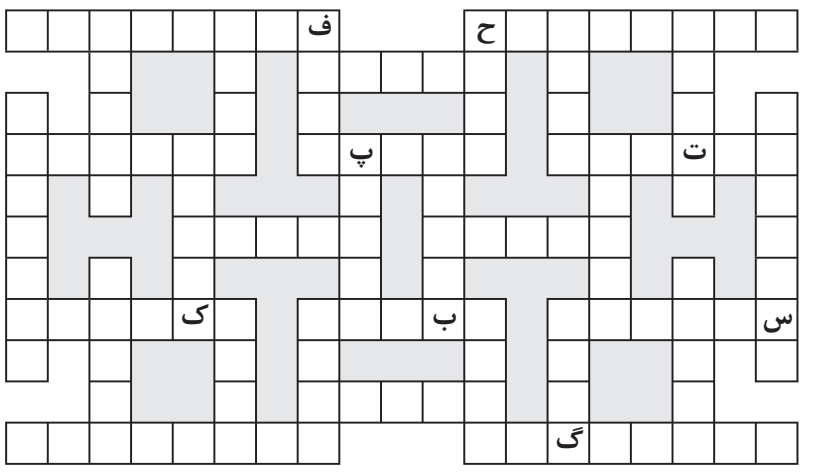

۴ حرفی: آزار، تارم، تفنگ، حتما، فردا، نشیب، ورام، همرس

۵ حرفی: اسکار، اشکاف، اوراد، آباده، آتش پا، پراید، تتبیر، تذهیب، تکراری، راحله، راسته، شاباش، منجمد، موسیر، هافبک

۶ حرفی: اغتنام، بهرمان، سدوحدت

۷ حرفی: بندر ریگ، نارسیسم

۸ حرفی: بهرام گور، سلمانشهر، شهر ارواح، فانتوماس

جدول شرح در متن

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

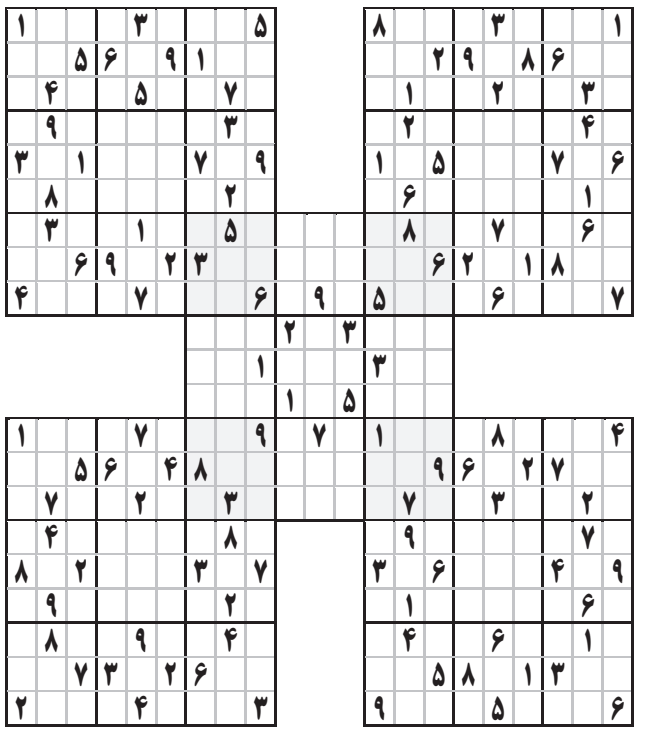

جدول کلمات متقاطع

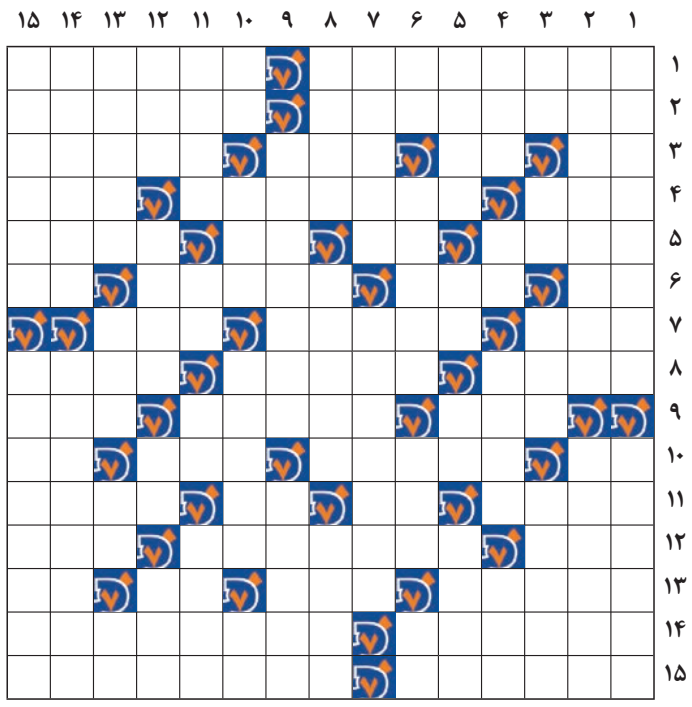

افقی

۱- خانه چندطبقه- مقام الهی
۲- ساختمانی تاریخی در پاریس- تئاتر سنتی در ژاپن
۳- رودی در فرانسه- دزدی اینترنتی- واحد توان الکتریکی- کسی که بار می‌برد
۴- خطی در دایره- اتوبان- از وسایل بازی کودکان در پارک
۵- محلی- ردیف قالی- خشم و قهر- فانی
۶- مادر عرب - مخفف هم او- اجتناب- شامل همه می‌شود
۷- وسیله انتقال برق- بازدید و رسیدگی- جمله قرآنی
۸- سمت راست- کوتاه و ناقص- لبه پایین‌قبا
۹- فیلم سامان مقدم- روزانه- نمی‌تواند صحبت کند
۱۰- آب بند - رهایی- جغد- عدد ماه
۱۱- غلاف فشنگ بی سرب و باروت- زمین‌شوی دسته‌دار- خشکی- دربردارنده
۱۲- گل زنبق- از دوران زمین‌شناسی- عدم و نیستی
۱۳- قادر- چروک پوست- بی مهار- مایه حیات
۱۴- هم وطنمان- کنایه از درهم
۱۵- زیبا و خوبرو- کتابی از پیر بنوا

عمودی

۱- بند بازی- از گیاهان دارویی
۲- نمایش لال بازی- نفاق
۳- صدای درد- حافظه‌ای در تلفن همراه- حرف ۲۸ الفبای فارسی- شهری در استان سیستان و بلوچستان
۴- جاده و مسیر - یک خودمانی- ناشناخته- کشتی جنگی
۵- گلابی جنگلی- روییدنی سر- چاشنی سالاد- دسته و سبک
۶- نوعی پیشوند فعل- از ایزدان زرتشت- نوعی خالکوبی ابرو- شمای بیگانه
۷- زوج ها- رفراندوم
۸- ضمیر- مقابل پیشروی- رشوه دادن
۹- دهشت‌افکنی یا هراس‌افگنی- شجاعت و دلاوری
۱۰- صدمه- دریایی در ترکیه- شبه‌جزیره‌ای در غرب اروپا- صابون خیاطی
۱۱- عجز و التماس- حرف انتخاب- خدای درویش - پرتلاش
۱۲- از بیماری‌های واگیردار- برتری- خربزه هندی - رنگ
۱۳- یکجا و یک دفعه- دوشیزه- کلام انزجار- عریان
۱۴- سرزده و ناگهانی- فیلمی از وودی آلن
۱۵- سلاح خودکار آتشین- شهری در آذربایجان

هفت صبح

صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر مسئول: امیر تاجیک
زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۲۸ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۳ | اذان مغرب: ۱۹:۳۳

اجازه ما بگیم ؟

علیرضا آذر
هفت صبح

صنعت تضاد(طباق)
در آن صبح مه‌آلود، استاد فربه معلومات با صدای آرام اما قاطع گفت: «امروز با کمک شکسپیر و خیام، تضاد را زندگی می کنیم!»
شکسپیر برخاست و گفت: «زندگی، خواب است... مرگ، بیداری؟»
خیام لبخند زد: «صبح می نوشم ز شب تیره، و کجا دانم که خبر از کیست؟»
شاگردان در دو گروه، یکی سپیدپوش و یکی سیاه‌پوش، در دو سوی کلاس ایستادند. هر جمله‌ای که یکی می گفت، دیگری با متضادش پاسخ می‌داد.
«عشق!» «نفرت!»
«نور!» «تاریکی!»
در پایان کلاس، استاد فربه معلومات گفت: «در تضاد است که معنا می‌درخشد. روز بی شب، هیچ است.»

نبض دیجیتال

وقتی برند، صدایش را پایین آورد

ستایش شیخ‌ویسی
هفت صبح

در شلوغ‌ترین ساعت روز، وقتی صفحه‌ات پر است از پیشنهادهای وسوسه‌انگیز، تخفیف‌های انقضادار و محتواهای پررنگ‌ولعاب، ناگهان با پستی روبه‌رو می‌شوی که هیچ‌کدام از این‌ها نیست.
نه از فروش گفته، نه از خود تعریف کرده، نه حتی سعی کرده توجهت را بخرد.
فقط یک جمله پرسیده: «حالت خوبه؟ امروز چیزی لازم داشتی که پیدا نکردی؟»
تعجب می کنی. چون برندها معمولاً نمی پرسند. آن‌ها می فروشند.
اما این‌بار، یکی تصمیم گرفته اول گوش کند.
در دنیایی که برندها رقابت را با فریاد اشتباه گرفته‌اند، بعضی‌ها صدایشان را پایین می‌آورند. آرام‌تر، نزدیک‌تر، انسانی‌تر و شاید همین آرامش، همان چیزی باشد که مخاطب از میان این همه هیاهو دنبالش است.
اما این تغییر صدا اتفاقی نیست.
پشت این رویکرد، درکی تازه از رفتار مخاطب قرار دارد: کاربرِ امروز فقط مشتری نیست. او یک «فرد» است با احساس، ترجیح، خستگی، شک، و گاهی بی‌اعتمادی و اگر برند نتواند به این بخش انسانی دست پیدا کند، حتی بهترین تکنولوژی هم نجاتش نمی‌دهد.
برندهایی که راه خود را در این مسیر پیدا می کنند، معمولاً به جای سر و صدا، ساختن فضا را انتخاب می کنند.
فضایی برای گوش دادن، برای گفت‌وگوی دوطرفه، برای تعامل واقعی.
نه از جنس فرم‌های طولانی نظرسنجی؛ از جنس حضور محترمانه در کنار کاربر.
همان چیزی که ما آن را «بازاریابی با درک انسانی» می نامیم.
در این نوع بازاریابی، هوش مصنوعی جایگاه مهمی دارد اما نه به‌عنوان ابزار فشار، بلکه به‌عنوان تسهیل‌گر فهم.
چطور مخاطب فکر می کند؟ چه زمانی واکنش نشان می‌دهد؟ کی خسته می‌شود؟ چه چیزی او را به ماندن ترغیب می کند؟
اینجا فناوری در خدمت گوش دادن است، نه فقط تحلیل عددها.
و این برندها، دقیقاً به همین دلیل، ماندگار می‌شوند. نه چون بیشتر گفتند؛ بلکه چون بهتر فهمیدند.
برند الهام‌بخش این روایت؟
برند Headspace اپلیکیشن مراقبه و تندرستی روان، که در میان توفان اپلیکیشن‌های پرزرق‌وبرق، تصمیم گرفت لحنش آرام، سوال‌هایش ساده و حضورش انسانی باشد. نتیجه؟ میلیون‌ها کاربر در سراسر جهان، فقط به‌خاطر این حس که «شنیده می‌شوند»، به آن وفادار ماندند.

خاطره تصویری

پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۳۷۳

خاطره نوشتاری

پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۷۰

مبلغ ناچیز!

در مسابقه بی سابقه کسب درآمد گویا سازمان آتش نشانی تهران تا به حال سرش بی کلاه مانده و علیرغم وابستگی به سازمانی فوق تخصص در کسب درآمد در این زمینه متأسفانه مقداری کم کاری داشته است! تا این که آتش سوزی‌های بازار تهران روی داد و مسئولان آتش نشانی را متوجه این نکته کرد که ریشه اصلی مسائلی مانند سوراخ بودن شیلنگ‌های آتش نشانی و دیر رسیدن مأموران به محل وقوع حریق و قدیمی بودن ماشینهای آتش خاموش کن در عدم کسب درآمد بوده است و تا این معضل همگانی حل نشود از شیلنگ نو و سالم و دیگر تجهیزات مورد نیاز خبری نخواهد بود! از اینرو مدیر عامل سازمان آتش نشانی در گفت و گو با روزنامه کیهان در زمینه برنامه های آتش نشانی برای کسب درآمد گفته است: «آتش نشانی تاکنون درآمدی نداشته است و به تازگی برای کسب درآمد اقدام شده است.»
و از آنجا که در شهرداری همه چیز با مبلغ ناچیز! خاتمه می پذیرد مدیر عامل آتش نشانی هم از این مبلغ ناچیز غافل نشده اضافه کرده است: به این منظور شهرداری تحت عنوان عوارض ایمنی(!) مبلغ ناچیزی را دریافت خواهد کرد. اما از آنجا که مردم از پرداخت مبالغ ناچیز به شهرداری حسابی خسته شده اند و به دلیل واریز مبلغ های ناچیز بابت عوارض نوسازی و عوارض پروانه ساختمان و عوارض اتومبیل و عوارض اضافه بنا و غیره و غیره! مبلغ ناچیز زده شده اند جا دارد منبعد از آنان مبلغ با چیز هم دریافت شود! یعنی مبلغ نقدی همراه با چیزی مانند خودرو و لاستیک اتومبیل و یخچال و تلویزیون داده شود تا شهرداری با فروش آنها در بازار بتواند به تقویت بنیه مالی خود بپردازد و در تعیین و دریافت مبلغ ناچیزهایش از مردم روز به روز موفق تر باشد!

- خوب پدر آمرزیده این که می شود همین خودیاری که شهرداری دارد می گیرد!

هنرمندان شگفت‌انگیز

سی فیلم، سی شاهکار

دبیر صفحه آخر | آکیرا کوروساوا (۲۳ مارس ۱۹۱۰-۶ سپتامبر ۱۹۹۸) کارگردان، نویسنده و تهیه کننده ژاپنی بود. وی یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین فیلم‌سازان تاریخ سینما شناخته می‌شود. او در طول زندگی حرفه‌ای ۵۷ ساله‌اش، ۳۰ فیلم ساخت. کوروساوا در سال ۱۹۳۶ وارد صنعت فیلمسازی ژاپن شد. بعد از سال‌ها کار به عنوان دستیار کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس در طول جنگ جهانی دوم اولین فیلم اکشن محبوب خود را با نام افسانه جودو (سانشیرو سوگوتا) ساخت. بعد از پایان جنگ فیلم فرشته مست را ساخت که مورد تحسین منتقدان قرار گرفت، در این فیلم کوروساوا از ۱۰ بازیگر ناشناخته استفاده کرد. توشیرو میفونه که در این فیلم به عنوان نقش اصلی بازی کرد از کوروساوا به عنوان یکی از مهم‌ترین فیلمسازان جوان ژاپن یاد کرد. این دو مرد در آینده در ۱۵ فیلم دیگر با هم همکاری کردند. راشومون (۱۹۵۰) برنده شیر طلایی در جشنواره فیلم ونیز شد. موفقیت تجاری و هنری این فیلم، بازارهای فیلم غربی را برای نخستین بار به روی محصولات صنعت فیلم ژاپن گشود، که به نوبه خود باعث شهرت بین‌المللی دیگر فیلم‌سازان ژاپنی شد. کوروساوا در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ هر سال تقریباً یک فیلم کارگردانی کرد، از جمله تعدادی فیلم بسیار مورد توجه (و اغلب اقتباس شده) مانند زیستن (۱۹۵۲)، هفت سامورایی (۱۹۵۴)، سریر خون (۱۹۵۷)، یوجیمبو (۱۹۶۱) و بهشت و دوزخ (۱۹۶۳). پس از دهه ۱۹۶۰ او کم کارتر شد. با این حال، کارهای بعدی او از جمله دو فیلم آخرش، کاگه‌موشا (۱۹۸۰) و آشوب (۱۹۸۵) همچنان مورد تحسین قرار گرفتند.
کوروساوا در سال ۱۹۹۰ جایزه اسکار یک عمر دستاورد هنری را دریافت کرد. او پس از مرگ از سوی مجله ایژن‌ویک و سی‌ان‌ان به عنوان «آسیایی قرن» در رده «هنر، ادبیات و فرهنگ» معرفی شد و از او به عنوان یکی از پنج فردی که بیشترین سهم را در بهبود آسیا در سده بیستم داشتند، یاد شد. حرفه او در بسیاری از مطالعات مروری و انتقادی و زندگی‌نامه‌ها مورد تقدیر قرار گرفته است. آکیرا کوروساوا در ۲۳ مارس ۱۹۱۰ در حومه توکیو به دنیا آمد. او آخرین فرزند خانواده‌ای پرجمعیت بود، اما وقتی کوروساوا به جوانی رسید، بیشتر اعضای خانواده مرده بودند و خانواده کوچک شده بود. پدر کوروساوا مدیر دبیرستانی وابسته به ارتش ژاپن بود و با درایت و انضباطی سختگیرانه فرزندان خود را تربیت می‌کرد. پدر در عین حال به سینما علاقه‌مند بود و غالباً فرزندان خود را با خود به سینما می‌برد. کوروساوا در هفده‌سالگی خانه پدر را ترک کرد و به دنبال حرفه نقاشی رفت. او در توکیو با برادر بزرگترش هم‌خانه شد. این برادر با عالم هنر محشور بود. در کنار او آکیرا با سینما و ادبیات و هنرهای نمایشی ژاپن آشنا شد. برادر کوروساوا در سالن‌های سینما «راوی» شده بود. در زمان سینمای صامت، یک «راوی» کنار اکران فیلم، رو به تماشاگران می‌ایستاد، ماجراها و گفتارهای فیلم را برای تماشاگران تعریف می‌کرد، تا آن‌ها راحت‌تر داستان فیلم را دنبال کنند. با رشد فنی سینما و رواج فیلم‌های ناطق، این حرفه به خطر افتاد، و راویان سینماها بیکار شدند و برادرش از درد و غصه خودکشی کرد. زمانی که کوروساوا به سن جوانی رسید، سه برادر او به کام مرگ فرورفته بودند. کوروساوا نقاشی را رها کرد، به استودیوهای تولید فیلم رفت و تقاضای کار کرد. او را به عنوان دستیار کاجیرو یاماموتو، از فیلمسازان صاحب‌نام روزگار، به کار گرفتند.
کوروساوا فراوان مطالعه می‌کرد و ذوق ادبی داشت. او با نیرو و تلاشی خستگی‌ناپذیر به نوشتن فیلمنامه پرداخت و تا سال ۱۹۴۳ برای حدود ۵۰ فیلم سناریو نوشت.
کوروساوا رضایت تهیه‌کنندگان را جلب کرد و در سال ۱۹۴۳ موفق شد اولین فیلم خود را به نام «داستان جودو» کارگردانی کند. این فیلم او را به عنوان کارگردانی با استعداد در سینمای ژاپن مطرح کرد. پس از جنگ و اشغال کشور توسط نیروهای آمریکایی، صنعت سینمای ژاپن دگرگون شد، اما کوروساوا توانست به کار خود ادامه دهد. تا پیش از راشومون (۱۹۵۱) کوروساوا یازده فیلم سینمایی کارگردانی کرده بود، اما با این فیلم بود که نگاه‌ها را در سراسر جهان خیره کرد. این فیلم تحولی بود بنیادین نه فقط در کار کوروساوا، برای سینمای ژاپن که تا آن زمان در غرب چندان شناخته شده نبود. نمایش این فیلم در جشنواره سینمایی ونیز بی‌تردید رویدادی تعیین‌کننده بود. فیلم جایزه «شیر طلایی» فستیوال را برنده شد.

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی

کاریکلماتور

برخی از محصلین با آسانسور به کلاس بالاتر می‌روند.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

بازاریابی از طریق نفرت!

مریم برادران
هفت صبح

در دنیای امروز که سرعت گردش اطلاعات سرسام‌آور است، مرز میان موفقیت و فاجعه، گاهی تنها یک کلیک یا یک طراحی اشتباه است. در این میان، برخی برندها به‌جای جلب توجه مثبت، عمداً یا ناخواسته وارد مسیر بازاریابی منفی می‌شوند؛ مسیری که در آن، «نفرت»، «تمسخر»، یا حتی «خشم» مخاطبان، ابزارهایی برای دیده‌شدن است. طراحی گرافیک، به‌عنوان ویترین اصلی برند، نقشی کلیدی در این پدیده دارد.
شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌هایی که تعامل را تشویق می‌کنند، فارغ از مثبت یا منفی بودن محتوا، زمینه‌ساز گسترش این نوع از وایرال شدن هستند. در چنین فضایی، یک طراحی تحریک‌آمیز یا غیرمتعارف، می‌تواند هزاران بار بیشتر از یک طرح زیبا و بی‌نقص دیده شود. مهم نیست مردم آن را دوست دارند یا از آن متنفرند؛ مهم این است که درباره‌اش حرف می‌زنند.
گاهی، این نفرت نتیجه اشتباه طراح یا نبود استراتژی مشخص است. برای مثال، در سال ۲۰۲۲، برند Balenciaga با انتشار کمپینی که کودکان را در کنار آیتم‌هایی با مفاهیم بزرگسالانه به تصویر می‌کشید، موجی از واکنش‌های شدید در فضای عمومی ایجاد کرد. کاربران شبکه‌های اجتماعی، منتقدان مد و حتی چهره‌های مشهور این کمپین را به «سوءاستفاده تصویری» متهم کردند. گرچه Balenciaga در نهایت عذرخواهی و کمپین را حذف کرد، اما میزان توجهی که این بحران برای برند به همراه آورد، به‌مراتب بیشتر از کمپین‌های موفق پیشینش بود. این اتفاق نه‌تنها برند را وارد صدر خبرها کرد، بلکه قدرت وایرال شدن طراحی جنجالی را در عصر رسانه‌های اجتماعی به‌خوبی آشکار ساخت.
در مواردی دیگر، این «نفرت» کاملاً آگاهانه طراحی می‌شود. برخی برندها، با علم به رفتار کاربران در شبکه‌های اجتماعی، آگاهانه به سراغ طراحی‌های جنجالی، شوک‌آور یا حتی ناپسند می‌روند.
این استراتژی با هدف تحریک احساسات منفی مخاطب و افزایش تعامل عمل می‌کند. چیزی که به آن «Hate Marketing» یا «Controversy Branding» می‌گویند.
طراحی‌های شوک‌آوری که مرزهای اخلاقی، جنسیتی یا فرهنگی را زیر پا می‌گذارند، اغلب از این نوع‌اند. مانند تبلیغات برندهای مد که با استفاده از نمادهای مذهبی یا بدن انسان به شیوه‌ای افراطی، موجی از مخالفت و در عین حال توجه ایجاد می‌کنند. در چنین مواردی، خشم مخاطب نه تنها مشکلی برای برند نیست، بلکه بخشی از استراتژی است. اما این بازی با آتش است. طراحی‌های جنجالی ممکن است برند را برای همیشه در ذهن‌ها ثبت کنند، اما اگر مرزها را نشناسند، می‌توانند صدمات جبران‌ناپذیری به اعتبار برند وارد کنند. به‌خصوص در فرهنگی مانند ایران، که ارزش‌های اجتماعی، مذهبی و عرفی نقش مهمی در برداشت عمومی دارند، طراحی بدون درک دقیق زمینه فرهنگی، می‌تواند به سرعت از محبوبیت به نفرت تبدیل شود. نکته دیگر آن است که بازاریابی منفی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت باعث دیده‌شدن شود، اما لزوماً به وفاداری برند نمی‌انجامد. کاربرانی که از روی کنجکاوی یا خشم یک طراحی را به اشتراک می‌گذارند، الزاماً مشتری برند نخواهند شد. بنابراین، طراحان و استراتژیست‌های برند باید هوشیار باشند که شهرت بد، همیشه بهتر از گمنامی نیست. در نهایت، طراحان گرافیک باید به این نکته توجه داشته باشند که نقش آن‌ها فراتر از زیبایی‌شناسی است. یک طراحی می‌تواند الهام‌بخش، خاطره‌انگیز یا برانگیزاننده باشد، اما می‌تواند در عین حال جنجالی، تنش‌زا و حتی مخرب نیز باشد. در عصری که هر طراحی می‌تواند در کمتر از یک ساعت به‌صورت جهانی وایرال شود، مسئولیت طراح از همیشه بیشتر است.
گاهی طراحی موفق، طراحی‌ای نیست که همه آن را دوست داشته باشند؛ بلکه طراحی‌ای است که همه درباره‌اش حرف بزنند. اما این که آن حرف‌ها چه رنگ و بویی داشته باشند، بسته به تصمیم و درک طراح، تفاوتی اساسی در سرنوشت برند ایجاد می‌کند.